NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۷۷
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



تعلل در استیضاح عراقچی؛ فرصت‌سازی برای جمهوری‌خواهان

در آستانه انتخابات آمریکا و در شرایطی که قیمت نفت به سقف روانی ۱۱۷ دلار رسیده بود، سفرکاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه، به قطر و همچنین گفت‌وگوی عراقچی با شبکه الجزیره که در آن از تبدیل طرح اولیه هفت‌روزه به طرحی دوروزه سخن گفته بود، موجب ریزش ۱۱ دلاری قیمت نفت شد. موضوعی که در حقیقت کمک انتخاباتی تیم وزارت خارجه به جمهوری‌خواهان تلقی می‌شود.

۳



پس از ماه‌ها تلاش بی‌ثمر نمایندگان برای استیضاح وزرای ناکارآمد، رئیس مجلس سرانجام از گرانی‌ها گلایه کرد

نوشدارو پس از وفاق

۳



نایب‌رئیس فراکسیون مقاومت مجلس؛

وحدت نباید سپر جریان سازش و وادادە شود

۲



مدیرکل سابق برنامه‌های سیاسی سازمان صداوسیما از رویکرد ضدملی برخی جریان‌ها در روزهای نخست جنگ رمضان گفت

ناگفته‌های فردای ۹ اسفند

۲

مماشات دیپلماتیک، چراغ سبز تجاوز!

دکتر غیاث‌الدین رحیمی
کارشناس مسائل بین‌الملل

در روزهای اخیر گزارش‌هایی از بمباران برخی مناطق در جنوب ایران و پیش‌تر حمله به دو شناور ماهیگیری ایرانی منتشر شده است؛ در همین راستا شامگاه دوشنبه نیز اخباری از حملات آمریکا به مواضعی در جزیره قشم و برخی نقاط دیگر هرمزگان مخابره شد. اقداماتی که گرچه با پاسخ‌های موردی ایران روبرو شد ولی واکنشی در خور مشاهده نشد. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، چند روز پیش در دیدار فرماندهان ارشد نظامی تأکید کردند: «هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود».

متن کامل در صفحه ۷

اقتصادی | صفحه ۴

حذف بی‌موقع ارز ترجیحی بود که افسار قیمت‌ها را پاره کرد

حمایت تمام‌قد رئیس مجلس از سیاست ارزی دولت چهاردهم و حذف ارز ترجیحی، در حالی با انتقاد او از گرانی‌ها و فشار قیمت‌ها بر سفره مردم همراه شده که افزایش نرخ ارز رسمی، هزینه واردات و تولید را بالا برده است.

فرهنگی | صفحه ۸

غیبت سینمای ایران در روایت ۱۳ آبان

امروز ۱۳ آبان، سالروز تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام است، رویدادی که به بحران ۴۴۴ روزه گروگان‌گیری و یکی از مهم‌ترین نقاط عطف روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی انجامید.

خبر کوتاه

زاکانی: باید با مقاومت، کشور را از «وضعیت نه جنگ نه صلح» خارج کنیم

علیرضا زاکانی شهردار تهران در مراسم بزرگداشت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی (۱۳آبان) در دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به این نکته که امروز کشور درگیر یک جنگ تمام‌عیار با آمریکاست، اظهارکرد: «آمریکا از این تقابل عبور نمی‌کند، چراکه اگر بخواهد کوتاه بیاید، باید نابودی خود را امضا کند. آمریکا امروز با آمریکای سال گذشته متفاوت است و وجاهت ابرقدرتی خود را تا حد زیادی از دست داده و نتوانسته موقعیت پیشین خود را حفظ کند.» وی تأکید کرد: «امروز بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا برای ما این است که نخست، به افزایش تاب‌آوری کشور در برابر هجمه دشمن کمک کنیم و دوم، اجازه ندهیم در داخل کشور خطای محاسباتی اتفاق بیفتد. جنگ امروز، جنگ اراده‌هاست و هرطرفی که اراده و نفس بیشتری داشته باشد، برنده نهایی خواهد بود.» وی با تأکید بر اینکه ادامه وضعیت نه جنگ و نه صلح به زیان کشور است، گفت: «نمی‌توانیم کشور را برای مدت طولانی زیر سایه جنگ و در وضعیت نه جنگ و نه صلح نگه داریم؛ چراکه در چنین شرایطی همه بخش‌های کشور دچار محدودیت می‌شوند. بنابراین باید محکم و با اقتدار بایستیم.»

خلجی: دیگر هیچ جغرافیایی برای دشمن حاشیه امن نیست

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع رسانی دولت شهید رئیسی، با اشاره به تأکید فرمانده معظم کل قوا بر پاسخ فوری و اثرگذار به تهدیدات، بدون محدودیت جغرافیایی، گفت: این موضوع معنای ویژه‌ای دارد و نشان می‌دهد اگر تاکنون جنگ منطقه‌ای را محقق کرده‌ایم، در صورت تهدید کشور، این بار ممکن است هر نقطه‌ای که کانون تهدید علیه جمهوری اسلامی باشد، در هر جغرافیایی، در معرض اقدام نیروهای مسلح ما قرار بگیرد و هیچ جغرافیایی برای دشمن حاشیه امن نیست. خلجی با اشاره به اظهارات و اعترافات دبیرکل ناتو درباره انجام حدود ۵ هزار پرواز از پایگاه‌های اروپایی در جریان جنگ تحمیلی سوم و جنگ ۴۰ روزه علیه اهداف ایرانی، گفت: این اظهارات رسماً از مشارکت کشورهای فرامنطقه‌ای در جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران حکایت دارد. این موضوع نشان می‌دهد نیروهای مسلح ما با دستور جدیدی که دریافت کرده‌اند، دیگر ممکناست به اهداف منطقه‌ای اکتفا نکنند.

انتقاد نجابت از وزیر آموزش و پرورش

روح‌الله نجابت نماینده شیراز در مجلس در جلسه علنی سه‌شنبه ۱۲آبان‌ماه) مجلس که به صورت ترکیبی (بخشی از نمایندگان به صورت حضوری و بخشی به صورت وبیناری) تشکیل شده است، در جریان بررسی سؤال خود از وزیر آموزش و پرورش در صحن علنی مجلس، با اشاره اهمیت گزینش معلمان در تربیت نسل آینده کشور گفت: امام شهید ما در ۲۷اردیبهشت ۱۴۰۴احساس خطر کردند و در دیدار با وزیر و مدیران آموزش و پرورش گفتند در دولت شهید رئیسی ضوابط و محدودیت‌هایی برای گزینش ایجاد شد؛ نگذارید این ضوابط و محدودیت‌ها کمرنگ شود. وی خطاب به وزیر آموزش و پرورش اظهار کرد: سوال مشخص بنده این است؛ به‌عنوان نماینده مردمی که در میادین مدام از ما می‌پرسند و مطالبه می‌کنند، چرا رویکرد گزینش در فرهنگیان و آموزش و پرورش در دولت با این مبانی قانونی، فرمان تاریخی امام و بیانات امام شهید فاصله گرفت تا جایی که ایشان گلایه کردند؟ وی افزود: تصور من این شده که آقای وزیر که فرد متدینی است، ظاهراً تحت فشارهایی در موضوع و مسئله گزینش نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند.

مدیرکل سابق برنامه‌های سیاسی سازمان صداوسیما از رویکرد ضدملی برخی جریان‌ها در روزهای نخست جنگ رمضان گفت

ناگفته‌های فردای ۹ اسفند

حسن روزی‌طلب مدیرکل سابق برنامه‌های سیاسی سازمان صداوسیما در جریان حضور در برنامه «خیابان انقلاب»، ناگفته‌های مهمی از تحولات سیاسی و روندهای صورت گرفته در ایام پس از شهادت رهبر شهید انقلاب را بیان کرد. تلاش برای به تعویق انداختن انتخاب رهبر جدید و ولی فقیه، آتش‌بس با آمریکا در روز پنجم جنگ و تلاش برخی اعضای شورای موقت رهبری برای تغییر رئیس سازمان صداوسیما در میانه جنگ تحمیلی رمضان از جمله محورهای این سخنرانی قابل توجه بود.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

حسن روزی طلب در برنامه «خیابان انقلاب» با اشاره به تلاش برخی جریان‌ها برای پایان دادن به جنگ در روزهای ابتدایی آن اظهار کرد: هرکاری که می‌توانستند انجام دادند تا در همان سه چهار روز اول جنگ را تمام کنند و ملت ما را سرشکسته و سرخورده به خانه‌هایشان بفرستند.

وی افزود: یکی از کارهایی که می‌خواستند انجام دهند، به تعویق انداختن انتخاب رهبر بود. این یک مسئله بدیهی عقلی، قانونی و شرعی است که وقتی رهبر به شهادت می‌رسد و فقدان ایشان اتفاق می‌افتد، باید بلافاصله رهبر انتخاب شود. با این حال، تمام تلاش خود را تا روز آخر به کار گرفتند تا انتخاب رهبر به تعویق بیفتد. فشار سنگینی در این زمینه وجود داشت.

وی با بیان اینکه امیدوار است در آینده اسناد، اظهارات و جریان‌های متضاد در این زمینه آشکار شود، گفت: ترامپ ملعون را به یاد بیاورید که می‌گفت می‌خواهد در ایران رهبر تعیین کند و در توییت‌هایش نیز همین موضوع را مطرح می‌کرد. گفتمان‌سازی‌ای که این افراد در داخل کشور انجام می‌دادند، با آنچه ترامپ مطرح می‌کرد، هم‌جهت بود. برخی از این افراد سوابق انقلابی داشتند و تعدادشان هم یکی دو نفر نبود.

روزی‌طلب افزود: تصور کنید اگر در روز ششم جنگ اعلام می‌شد که یک هفته آتش‌بس برقرار شود و سپس این آتش‌بس هفته به هفته تمدید می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد. هدف این بود که مردم متدین، مذهبی و انقلابی سرشکسته و سرخورده به خانه‌هایشان بازگردند.

می‌خواهند با قاتل رهبر شهید به تفاهم برسند

مدیرکل سابق برنامه‌های سیاسی صداوسیما همچنین گریزی به مذاکرات اخیر با آمریکا زد و گفت: با ونس، همان کسی که جزو تصمیم‌گیران شهادت رهبری بوده است، دست می‌دهند و می‌گویند می‌خواهیم به تفاهم مشترک برسیم! افرادی با کسانی دست می‌دهند که در جریان شهادت رهبر ما، جزو تصمیم‌گیران بوده‌اند و می‌دانند در این ماجرا نقش داشته‌اند؛ سپس می‌گویند می‌خواهیم با یکدیگر به تفاهم برسیم و به فهم مشترکی دست پیدا کنیم. از سوی دیگر، یک نماینده مجلس به دلیل مطلبی که پنج سال پیش در روزنامه خود نوشته است، مورد پیگرد قرار می‌گیرد و به زندان فرستاده می‌شود. چگونه از یک نماینده مجلس به دلیل چنین موضوعی نمی‌گذرند، اما انتظار دارند ما از خون رهبر شهیدمان بگذریم؟

انتقاد روزی‌طلب از پزشکیان و عراقچی

روزی‌طلب در بخش دیگری از سخنانش، مطالبه چندباره برخی مقامات اجرایی برای عدم پخش سخنان رهبر شهید از صداوسیما را مورد اشاره قرار داد و گفت: وضعیت به جایی رسیده بود که برخی افراد می‌گفتند رهبری به ما گفته‌اند از وضعیت نه جنگ و نه صلح خارج شوید و با آمریکا مذاکره کنید. اگر به خاطر داشته باشید، سفر سال گذشته ایشان به نیویورک نیز به شکلی غیرعادی انجام شد؛ دست‌کم من به یاد ندارم پیش از آن چنین اتفاقی رخ داده باشد؛ همزمان با این سفر، رهبر شهید انقلاب در تلویزیون حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه صحبت کردند و فرمودند مذاکره با آمریکا هیچ سودی برای ما ندارد، غیرشرافتمندانه است، هیچ نفعی برای کشور ندارد و حتی اوضاع را بدتر می‌کند. همه این سخنان را به خاطر داریم.

وی افزود: دو روز پیش از نهم اسفند، خبرنگار هندی از وزیر خارجه ما پرسید که اگر رهبر شما ترور شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پاسخ وزیر خارجه این بود که رهبر دیگری تعیین خواهد شد. این مسائل چیزهایی نیست که بتوان آن‌ها را فراموش کرد.

وی در پایان با اشاره به تداوم فعالیت جریان غربگرا اظهار کرد: با وجود این اتفاقات، باز هم شاهدیم که این جریان که جریان قدرتمندی نیز هست، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد و در این زمینه تعارفی هم ندارد. برخی مسائل را در پشت پرده مطرح می‌کنند، اما اکنون به‌صراحت در رسانه‌ها می‌گویند که صحبت‌های رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره با آمریکا را پخش نکنید.

سیاسی

خضریان: وحدت نباید سپر جریان سازش و واداده شود



علی خضریان، نماینده مردم تهران و نایب‌رئیس فراکسیون مقاومت مجلس با تأکید بر ضرورت انسجام ملی در اجلاسیه مجاهدان غربت گفت: پرسش مهم این است وحدت حول چه شاخصه‌هایی شکل می‌گیرد. قرار نیست به بهانه انسجام، جریان واداده در جریان مقاومت هضم شود یا مقاومت از بیان آرمان‌های انقلاب سکوت کند.

وی با اشاره به هشدارهای مردم درباره تحرکات دشمن گفت: وقتی دبیر شورای عالی امنیت ملی از برنامه هفت‌روزه و هفت‌ماده‌ای دشمن سخن می‌گوید، مشخص می‌شود نقدهای مردم بی‌اساس نبوده است. نباید به نام وحدت، مانع بیان مطالبات جامعه‌ای شد که بر پایه آرمان‌های انقلاب و رهنمودهای امام شهید در صحنه حاضر شده است.

نایب‌رئیس فراکسیون مقاومت مجلس، با اشاره به تعبیر «مردم مبعوث» اظهار کرد: این تعبیر یعنی مردم برانگیخته و پیشگام‌اند و ما باید دنباله‌رو آنان باشیم؛ مردم چند گام از مسئولان جلوترند. پایین آوردن سطح مطالبات و کنشگری مردم برای همراه‌کردن آنان با مسئولان، با روح پیام‌های رهبر شهید در سال جاری و تأکید ایشان بر تجلیل از مردم سازگار نیست.

نماینده مردم تهران در مجلس یکی دیگر از خطاهای محاسباتی دشمن را ارزیابی نادرست از جامعه ایران دانست و گفت: دشمن گمان می‌کرد با آغاز جنگ و با تکیه بر حوادث دی‌ماه، سرمایه اجتماعی نظام کاهش یافته و خیابان‌ها به نفع او شلوغ می‌شود؛ اما حضور مردم نشان داد این محاسبه غلط بوده است.

وی تأکید کرد: مردمی که دلیل ماندگاری جمهوری اسلامی هستند، امروز مهم‌ترین پشتوانه کشورند و پس از عبور از بحران، منصفانه نیست مطالباتشان نادیده گرفته شود یا برای بیان دیدگاه‌هایشان محدودیت ایجاد شود.

تعلل در استیضاح عراقچی؛ فرصت‌سازی برای جمهوری‌خواهان



در آستانه انتخابات آمریکا و در شرایطی که قیمت نفت به سقف روانی ۱۱۷ دلار رسیده بود، سفر کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه، به قطر و همچنین گفت‌وگوی عراقچی با شبکه الجزیره که در آن از تبدیل طرح اولیه هفت‌روزه به طرحی دوروزه سخن گفته بود، موجب ریزش ۱۱ دلاری قیمت نفت شد. موضوعی که در حقیقت کمک انتخاباتی تیم وزارت خارجه به جمهوری‌خواهان تلقی می‌شود. کاهش قیمتی که حتی مورد اشاره ترامپ نیز قرار گرفت ومسئله اینجاست که چرا وزیر خارجه باید به‌گونه‌ای کار رسانه‌ای خود را پیش ببرد که بازار نفت، بدون دریافت هیچ‌گونه تعهد عملی احتمالی از سوی آمریکا، با کاهش قیمت مواجه شود؟ گفتنی است اول مهرماه سال جاری، امیرحسین ثابتی، نماینده مردم تهران، با هفت محور و یک هفته بعد، حسنعلی حاجی دلیگانی با ۱۷ محور، دو متن استیضاح را در سامانه مجلس ثبت کرده بودند. از سوی دیگر، مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، تنها ۱۰ امضا برای آغاز فرآیند استیضاح کافی است.

در همین راستا، این پرسش مطرح می‌شود که سرانجام استیضاح عراقچی به کجا رسید؟ و چرا تاکنون اقدامی در اینباره نشده است؟

از جمله محورهای ثبت‌شده در درخواست استیضاح عراقچی، موضوعاتی چون «مصاحبه‌ها و اعلام مواضع نادرست در چند ماه گذشته و تأثیر آن‌ها بر کاهش قیمت جهانی نفت» و «اصرار بر روش قدیمی و نخ‌نمای مذاکره با آمریکا در هر شرایط، به‌عنوان تنها راه‌حل مشکلات کشور» بود. با این حال، هیئت‌رئیسه مجلس که باید حداکثر ظرف ۱۰ روز جلسه نمایندگان متقاضی استیضاح با وزیر را برگزار می‌کرد، به درخواست نمایندگان ترتیب اثر نداد و دقیقا درهمان دغدغه‌های مورد تاکید نمایندگان در متن استیضاح عراقچی، باری دیگر به منافع کشورمان در شب انتخابات آمریکا آسیب وارد آمد.

رئیس مجلس پس از ماه‌ها استقامت در برابر خواست نمایندگان برای استیضاح وزرای ناکارآمد از گرانی‌ها گلایه‌مند شد

نوشدارو پس از وفاق

پس از ماه‌ها تعطیلی صحن علنی مجلس و ترک‌فعل هیات رئیسه در پیگیری استیضاح وزرای ناکارآمد دولت پزشکیان، اظهارات رئیس مجلس درباره فشار معیشتی بر مردم ناشی از گرانی ها و انتقاد از نبود یک نظارت موثر و قاعده‌مند، انتقاد برانگیز شد. چراکه قوه مقننه خود نیز از مهمترین ارکان نظارتی کشور است و در اینجا ضروری است تا هیات رئیسه مجلس با محوریت شخص آقای قالیباف درقبال گرانی‌های سرسام آور به خاطر ترک‌فعل های خود در مقام پاسخگویی باشند نه طلبکار و منتقد.

امین مهاجر
روزنامه‌نگار

روز گذشته، قالیباف، رئیس مجلس در جلسه صحن علنی مجلس از گرانی‌های سرسام‌آور و فشار به معیشت مردم گلایه کرد. وی گفت: «گزارش‌های میدانی و گلایه‌های به حق شهروندان نشان می‌دهد گرانی‌های اخیر و نوسانات قیمت‌ها، فشار سنگینی را به خانواده‌ها وارد کرده است. متاسفانه یکی از آسیب‌های جدی بازار، پراکندگی قیمت‌ها و نبود نظارت موثر و قاعده‌مند است »

اظهارات و انتقادات رئیس مجلس به گرانی‌ها و بویژه تاکید او بر نبود نظارت موثر در حالی مطرح می‌شوند که مروری بر عملکرد مجلس بویژه هیات رئیسه با محوریت شخص آقای قالیباف حاکی از آن است که این اوضاع اقتصادی و معیشت سخت مردم، مستقیما تحت تاثیر ترک‌فعل‌های هیات رئیسه است. بی‌گمان تعطیلی ۸ ماهه صحن علنی مجلس و عدم وجود یک نظارت جامع از سوی قوه مقننه به فعالیت‌های دولت و ایضا وزاری ناکارآمدی که در سایه این عدم نظارت ضرر وزیان‌های متعددی به کشور وارد کردند، برمی‌گردد و در این میان مهم‌ترین مسئله موضوع تاب آوری معیشتی مردم بود که ظاهرا رئیس مجلس بعد از ۸ ماه تعطیلی صحن از آن یاد ش آمده است.

موضوعی که حتی در همان ابتدا مورد تاکید رهبر انقلاب قرار گرفته بود. ایشان به‌مناسبت سی و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/خرداد/۱۴۰۵ در اینباره هشدار داده بودند که «دشمن خبیث کِیدِ خود را در جنگ ترکیبی بر دو نقطه تاب‌آوری مردم و ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور» متمرکز ساخته است. البته که قابل ذکر است که در این میان نمایندگان دغدغه‌مندی دیگری بودند که در عین تعطیلی صحن مجلس و کارشکنی‌های متعدد هیات رئیسه در این موضوع، پیگیر مشکلات معیشتی و کم‌کاری‌های دولت پزشکیان با شند .

طی ماه‌های اخیر بخش قابل توجه‌ای از نمایندگان مجلس، به خاطر گرانی‌های بی‌ضابطه اقتصادی، طرح استیضاح چندین وزیر ناکارآمد را کلید زده بودند. بویژه اینکه نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، که بخشی از گرانی‌های کالاهای اساسی دقیقا به همین وزارتخانه و عملکرد وزیر برمی‌گردد، هم در این دوره بارها مورد مواخذه نمایندگان قرار گرفته بود، اما استیضاح او که بارها هم مطرح شده بود، به جایی نرسید. امیرحسین ثابتی، نماینده مردم تهران در مجلس، مرداد ماه سال جاری با اشاره به نارضایتی نمایندگان از عملکرد نوری قزلجه نوشته بود: «از مردم عزیز عذرخواهی می‌کنم که بعد از انفجار قیمت‌ها در مواد غذایی، فقط توانستیم به وزیر مربوطه کارت زرد بدهیم؛ در حالی که اگر مجلس در رأس امور بود و آیین‌نامه آن به درستی توسط قالیباف اجرا می‌شد، بسیاری از وزرا باید قبل از شروع جنگ استیضاح می‌شدند.»

علاوه بر این، طی ماه گذشته نیز، ۴ نماینده مجلس شورای اسلامی اقدام به ثبت و جمع‌آوری استیضاح احمد میدری کرده بودند. همچنین در نامه‌ای که توسط علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، خطاب به احمد میدری ارسال شده بود، از وزیر رفاه درخواست شده تا در جلساتی که برای بررسی استیضاح میدری برگزار می‌شود، شرکت کند. موضوعی که با توجه به حضور دو عضو هیئت رئیسه و یک رئیس کمیسیون تخصصی مرتبط در جمع متقاضیان استیضاح میدری، این امید را ایجاد کرده بود که بالاخره قرار است یکی از وزرای ناکارآمد دولت چهاردهم برکنار شود. اما تاکنون این استیضاح هم عملی نشده و با توجه به سابقه و نوع مواجهه رئیس و هیئت رئیسه مجلس با درخواست‌های استیضاح نمایندگان، حاکی از این است که تمایلی از سوی مدیریت مجلس به استیضاح وزرا وجود ندارد و در این میان گلایه و انتقاد رئیس مجلس از گرانی‌ها تعجب برانگیز و پر از تناقض است، چراکه مخاطب این گلایه‌ها و انتقادات در وهله اول شخص رئیس مجلس به خاطر ممانعت در برخورد قانونی با وزرای ناکارآمد است. از سوی دیگر در ماجرای عزم نمایندگان برای استیضاح فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، هیئت رئیسه کارشکنی کرده بود. ایمان رئیسی، طراح استیضاح صادق، دراینباره گفته بود: «از باب محافظت و دفاع از حقوق ملت این استیضاح را به جریان انداختم و تعلل در اعلام وصول باعث تضییع حقوق مردم است و هیئت رئیسه باید پاسخگو باشد که بعد از ۴، ۵ ماه که این استیضاح جزو اولین مواردی بوده که به هیئت رئیسه ارجاع شده، هنوز اعلام وصول نکرده است. مردم هم مرتب از من سوال می‌کنند و من هم پاسخی غیر از این ندارم و هیئت رئیسه باید پاسخگو باشد.»



صف طولانی استیضاح وزرای ناکارآمد دولت چهاردهم

سال گذشته و پیش از آغاز جنگ رمضان، گفته شده بود ۹ وزیر در صف استیضاح قرار داشته‌اند. به گفته نادری، عضو هیئت رئیسه مجلس دردی‌ماه گذشته، «احمد میدری»، «محسن پاک‌نژاد»، «فرزانه صادق»، «عباس علی‌آبادی»، «سیدعباس صالحی»، «احمد دنیامالی» و «غلامرضا نوری قزلجه»، وزرای کار، نفت، راه، نیرو، ارشاد، ورزش و کشاورزی، به هیئت رئیسه مجلس ارجاع شده و استیضاح «سیدمحمد اتابک» و «حسین سیمایی صراف»، وزرای صمت و علوم، هم در سامانه مجلس ثبت شده بود. با همه این‌ها، رئیس مجلس اجازه نداد هیچ‌کدام از استیضاح‌ها به مرحله اجرا برسد و حتی گفته شده قالیباف در پاسخ به انتقاد نمایندگان گفته بود: «با توجه به حمایت‌های اخیر رهبر انقلاب از دولت، برداشت ما این است که فعلاً هیچ استیضاحی صورت نگیرد!»

خبر کوتاه

مخبر: توحش آمریکا، جهان را به سمت بازدارندگی اتمی می‌برد؟

مشاور و دستیار رهبرانقلاب در حساب شخصی خود در ایکس نوشت: توحش آمریکا با از بین بردن اعتماد به نهادهای بین‌المللی، جهان را به سوی بازدارندگی اتمی برد. مطابق گزارش‌های اخیر، ذخایر نظامی حدود ۱۳۰ کلاهک بیشتر شده و هر ۹ کشور دارای سلاح اتمی در حال نوسازی‌اند. حتی کشورهای فاقد بمب نظیر لهستان، فنلاند، سوئد و آلمان، به دنبال میزبانی یا مشارکت هسته‌ای‌اند.

شهادت یکی از افسران ارتش در حمله تروریستی جنوب شرق

روز گذشته، در پی حمله تروریستی گروهک معاندین در منطقه جنوب شرق کشور، یک نفر از کارکنان تیپ ۳۷۷ متحرک هجومی نزاجا به درجه شهادت نایل آمد و دو نفر دیگر نیز مجروح شدند.

سرلشکر عبداللهی: دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن در تیررس ایران است

رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا اظهارکرد: نیروهای مسلح و مدافعان تاریخ ساز وطن با روزآمدسازی بانک اهداف و در تیررس قرار دادن دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونیستی، هر سطح و نوع تهدید را با پاسخ فوری، تأثیرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی پاسخ می‌دهند.

هشدار رئیس مرکز ملی فضای مجازی به استارتاپ‌های همکار اسرائیل

محمدامین آقامیری، رئیس مرکز ملی فضای مجازی، در گفت‌وگوی ویژه خبری با تشریح ابعاد مختلف مواجهه کشور با تهدیدات سایبری، با اشاره به همکاری برخی شرکت‌های فناوری با صنایع نظامی رژیم صهیونیستی تصریح کرد: ما این مجموعه‌ها را می‌شناسیم و می‌دانیم چه کسانی در این حوزه فعالیت می‌کنند. برخی شرکت‌های فعال در این شبکه، از جمله شرکت‌هایی که در حوزه فناوری و هوش مصنوعی فعالیت دارند، با صنایع نظامی رژیم صهیونیستی همکاری می‌کنند و محصولات و خدماتی ارائه می‌دهند که در شناسایی اهداف و اجرای عملیات نظامی و تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی افزود: این شرکت‌ها صرفاً ارائه‌دهنده خدمات فناورانه نیستند، بلکه در بخش‌هایی از زنجیره عملیاتی دشمن نقش مستقیم دارند و محصولاتی تولید می‌کنند که برای شناسایی اهداف و اجرای حملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما به‌صراحت اعلام می‌کنیم کسانی که دستشان به خون مردم ایران آلوده است، مسئولیت اقدامات خود را بر عهده دارند و این موضوع نه فراموش می‌شود و نه بدون پاسخ خواهد ماند.

انهدام دو فروند پهپاد لوکاس در بندر خمیر

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: دو فروند پهپاد لوکاس آمریکایی در آسمان بندرخمیر با آتش پدافند رزمندگان سپاه امام سجاد(ع) هرمزگان تحت شبکه یکپارچه پدافند هوایی منهدم شد. گفتنی است؛ رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شب گذشته نیز دو فروند از پهپادهای دشمن آمریکایی با نام **MQM-170** را به جنگ الکترونیک به تسخیر خود درآورده بودند. همچنین؛ رزمندگان سپاه یک فروند پهپاد تهاجمی **9-MQ** را نیز در جنوب کشور منهدم کرده بودند.

زنگنه: تصمیمات بانک مرکزی در راستای حمایت از تولید نیست



رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس با اشاره به جلسه این کمیسیون با وزیر و معاونان وزارت صنعت، معدن و تجارت برای بررسی موانع و مشکلات تولید، گفت: گزارش‌ها حاکی از آن است که تورم بخش تولید از تورم بخش مصرف‌کننده پیشی گرفته است؛ به این معنا که هزینه‌های تولید به‌شدت در حال افزایش بوده و خروجی این روند، تضعیف بخش تولید است. محسن زنگنه دو عامل را در بروز این وضعیت مؤثر دانست و افزود: نخستین عامل، اجرانشدن قوانین مناسبی است که در این حوزه به تصویب رسیده‌اند؛ مانند جزء (۲) بند (الف) ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم که بر اساس آن، صادرکنندگان خرد، به‌ویژه فعالان صنایع کشاورزی و دانش‌بنیان که در مقیاس محدود صادرات انجام می‌دهند، باید بتوانند ارز حاصل از صادرات خود را برای واردات مواد اولیه و کالاهای مورد نیازشان اختصاص دهند یا با واردکنندگانی که به ارز نیاز دارند، تهاتر کنند.

وی ادامه داد: البته بانک مرکزی پذیرفت که از این پس، صادرکنندگان مشمول این جزء قانونی بتوانند ارز حاصل از صادرات خود را با واردات کالاهای گروه دوم تهاتر کنند. زنگنه اضافه کرد: ماده ۲۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر نیز از جمله موادی است که به‌درستی اجرا نمی‌شود.

همچنین در قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، مواردی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس، دومین عامل مؤثر در مشکلات بخش تولید را مسائل اجرایی دانست و تأکید کرد: انتظار ما از بانک مرکزی این است که در شرایط کنونی، تصمیمات خود را با رویکرد حمایت از تولید اتخاذ کند. طی ۱۰ سال گذشته، رهبر فقید و رهبر معظم انقلاب بارها حمایت از تولید را به‌عنوان شعار سال انتخاب کرده‌اند و این موضوع بیانگر اهمیت و جایگاه راهبردی تولید در کشور است؛ بنابراین حمایت از تولید صرفاً یک شعار نیست، بلکه باید به‌عنوان یک راهبرد و استراتژی در تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجرایی دنبال شود.

وی خاطرنشان کرد: متأسفانه برخی تصمیم‌گیری‌ها در دستگاه‌های اجرایی، به‌ویژه بانک مرکزی، با رویکرد حمایت از تولید همخوانی ندارد. امیدواریم با همکاری وزارت صمت، مجلس نیز بتواند به وظایف و تکالیف خود در مسیر حمایت از تولید عمل کند.

موج خبر

صف ۸۰۰ هزار نفری وام ازدواج و فرزندآوری زیر سایه بی‌عملی بانک‌ها

طبق آمار اخیر بانک مرکزی، صف وام ازدواج و فرزندآوری که در پایان سال گذشته از یک میلیون نفر عبور کرده بود، حالا به حدود ۸۰۰ هزار نفر رسیده است؛ کاهشی بیش از ۲۲۰ هزار نفری که در کنار افزایش سرعت پرداخت تسهیلات، از بهبود عملکرد شبکه بانکی حکایت دارد. با این حال، هنوز صدها هزار متقاضی در انتظار دریافت وام هستند و کاهش صف به معنای حل مسئله نیست. بررسی آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد که بانک‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا پایان شهریورماه، ۷۰۳ هزار و ۲۵۸ فقره تسهیلات ازدواج و فرزندآوری پرداخت کرده‌اند؛ رقمی معادل حدود ۶۱ درصد کل تسهیلات پرداخت‌شده در سال ۱۴۰۴. در بخش وام ازدواج طی این مدت، ۴۱۷ هزار و ۲۸۵ فقره تسهیلات پرداخت شده که معادل ۶۷ درصد عملکرد کل سال گذشته است. این نسبت برای وام فرزندآوری نیز با پرداخت ۲۸۵ هزار و ۹۷۳ فقره به حدود ۵۴ درصد می‌رسد.

در همین حال، گزارش دیوان محاسبات کشور از عملکرد تسهیلات ازدواج و فرزندآوری تا پایان شهریور ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که از مجموع ۸۰۴ هزار و ۸۰۲ متقاضی وام ازدواج، ۴۱۱ هزار و ۸۸۴ نفر به ارزش ۱۳۸.۲ همت تسهیلات دریافت کرده‌اند و ۴۸ درصد متقاضیان همچنان در صف انتظار قرار دارند. در بخش فرزندآوری نیز از مجموع ۶۸۷ هزار و ۳۰۷ متقاضی، به ۲۸۱ هزار و ۳۴۶ نفر به ارزش ۲۶.۲ همت تسهیلات پرداخت شده و ۵۹ درصد متقاضیان هنوز موفق به دریافت وام نشده‌اند. سارا جلالی، معاون اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی، می‌گوید: «عملکرد شبکه بانکی در ماه‌های ابتدایی سال به دلیل جنگ و حمله سایبری به چند بانک با وقفه مواجه شد، اما در مرداد، شهریور و مهر سرعت پرداخت تسهیلات ۲ تا ۳ برابر افزایش یافته است.» به گفته او، تداوم این روند می‌تواند به تحقق سهمیه ابلاغی و حتی پرداخت بیش از آن منجر شود. جلالی همچنین از مکاتبه با بانک‌های دارای تأخیر و تعیین مستقیم شعبه برای متقاضیان در برخی موارد خبر داده است.

براساس گزارش مهرماه امسال سازمان بازرسی کل کشور، سه بانک در بخش وام ازدواج و پنج بانک در بخش فرزندآوری تا ۲۴ شهریور کمتر از ۴۰ درصد سهمیه شش ماهه خود را محقق کرده بودند؛ بنابراین، کاهش ۲۲۰ هزار نفری صف در مقایسه با پایان سال گذشته، فقط بخشی از تصویر است. مسئله اصلی، تداوم این روند و به‌ویژه جبران عقب‌ماندگی بانک‌های کم‌کار است. در غیر این صورت، حتی افزایش قابل توجه تعداد وام‌های پرداختی نیز لزوماً به معنای پایان انتظار نزدیک به ۸۰۰ هزار متقاضی نخواهد بود.

نوبنیاد با بررسی سیاست‌های ارزی دولت گزارش می‌دهد؛

حذف بی‌موقع ارز ترجیحی بود که افسار قیمت‌ها را پاره کرد

حمایت تمام‌قد رئیس مجلس از سیاست ارزی دولت چهاردهم و حذف ارز ترجیحی، در حالی با انتقاد او از گرانی‌ها و فشار قیمت‌ها بر سفره مردم همراه شده که افزایش نرخ ارز رسمی، هزینه واردات و تولید را بالا برده است؛ روند که همچنان ادامه دارد به طوری که نرخ ارز رسمی نیز از ابتدای امسال تاکنون حدود ۳۸ درصد افزایش یافته است. بنابراین افزایش قیمت کالاها نتیجه طبیعی چنین تصمیماتی است؛ درواقع، گرانی‌های امروز بازار صرفاً حاصل گران‌فروشی یا ضعف نظارت نیست، بلکه بخش مهمی از آن ریشه در سیاست‌های ارزی دولت دارد.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، دیروز در صحن علنی مجلس که مدتی است پس از ۸ ماه تعطیلی، با یک‌سوم ظرفیت تشکیل جلسه می‌دهد، با اشاره به گرانی‌ها گفت: «گزارش‌های میدانی و گلایه‌های به حق شهروندان نشان می‌دهد گرانی‌های اخیر و نوسانات قیمت‌ها، فشار سنگینی را به خانواده‌ها وارد کرده است.» وی افزود: «متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی بازار، پراکندگی قیمت‌ها و نبود نظارت مؤثر و قاعده‌مند است. مجلس انتظار دارد دولت و دستگاه‌های نظارتی، به‌ویژه وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات که مسئولیت مستقیم در این موضوع دارند، با فوریت بر نظام توزیع و قیمت‌گذاری کالاها نظارت جدی و مؤثر انجام دهند.»

البته این انتقادات به عملکرد دولت وارد است و نگرانی‌های مردم نیز مدت‌هاست که آشکار شده است. بررسی روندهای اقتصادی نشان می‌دهد که تقریباً از ابتدای دولت چهاردهم، روند کاهشی نرخ رشد تورم متوقف و مسیر افزایشی آن آغاز شد و فشار برسفره‌های مردم روزبه‌روز افزایش یافت. اما در تمام این مدت، مجلس با شعار وفاق همراه دولت بود و جایگاه قوه مقننه برای مقابله با تصمیمات اشتباهی که لوکوموتیو اقتصاد کشور را در مسیر نادرست قرار داد، به کار گرفته شد یا عده‌ای در درون این قوه، با تضعیف توان مطالبه‌گری نمایندگان، راه مقابله با تصمیمات اشتباه را بستند.

روزهای آغازین پاییز ۱۴۰۳، پاستور شاهد قدم‌های نخست دولتمردانی بود که پس از دولت پرتلاش شهید آیت‌الله رئیسی، بر مسند اداره قوه مجریه تکیه زدند. تفکر افراد جدید اما تفاوت‌های جدی با مردان پیش از خود داشت. گویی حل مشکلات اقتصادی فقط و فقط از مسیر مذاکره و امتیاز دادن به غرب می‌گذشت. این در حالی بود که در سه سال مدیریت کشور توسط دولت شهید رئیسی، در همان شرایط تحریمی، شاهد بودیم که با وجود همه محدودیت‌ها، درایت و تدبیر تیم اقتصادی وقت به مهار اوج‌گیری تورم و سایر شاخص‌های اقتصادی و ثبات بخشی نسبی به اقتصاد کشور انجامید. روندهای افزایشی نرخ تورم و نرخ ارز که به دولت وقت تحویل داده شده بود، در وضعیتی ثابت و کنترل‌شده به دولت بعدی تحویل داده شد.

اما تفکر اقتصادی دولت چهاردهم، با گران سازی نرخ ارز و بازار کالاها، زمینه‌ساز شکل‌گیری اوضاع نامناسب اقتصادی در کشور شد. در ۶ ماهه نخست دولت چهاردهم، نرخ ارز بیش از ۹۰ درصد افزایش یافت. به تبع افزایش نرخ ارز و رها بودن بازار، نرخ تورم نیز روندی صعودی به خود گرفت. در یک سالگی دولت، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه از ۳۱ درصد در ابتدای دولت به حدود ۵۰ درصد رسیده بود. در تمام این مدت، با وجود انتقاداتی که نسبت به رویکرد دولت در حوزه اقتصاد مطرح بود، هیئت رئیسه مجلس با شعار وفاق، با تمام تصمیمات اقتصادی دولت مسعود پزشکیان همراهی کامل داشت. برخلاف دوره قبل که در مورد کوچک‌ترین التهاب در بازار کالا و ارز، شخص رئیس مجلس، رئیس جمهور شهید و دولت وقت را مورد عتاب قرار می‌داد، در دوره جدید وفاق حکم‌فرما بود و مسیر هرگونه انتقاد علمی و فنی به اقدامات تیم اقتصادی دولت نیز بسته شده بود. اما اوج‌گیری روند گرانی‌ها و التهابات، پس از تمام ضعف‌های عملکردی ۱۵ ماه ابتدایی دولت، با سیاست ارزی نیمه دی‌ماه و تصمیم فاجعه‌بار دولت برای حذف یک‌باره ارز ترجیحی در آن ماه آغاز شد.

وقتی رئیس مجلس از تصمیم دولت حمایت کرد

کارشناسان متعددی از مدت‌ها قبل نسبت به عواقب حذف ارز ترجیحی و سیاست ارزی دولت چهاردهم و فشار ناشی از آن بر سفره‌های مردم هشدار داده بودند. مانند روز روشن بود که سیاست شوک ارزی، که بارها در گذشته امتحان خود را پس داده بود، این بار نیز به نتیجه درستی منتهی نخواهد شد. حذف یک‌باره ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و نرخ تالار اول که قبل از تصمیم دولت حدود ۸۴ هزار تومان بود و رساندن نرخ آن به سطح بازار غیررسمی، یعنی ۱۲۰ هزار تومان، به‌خودی خود موجب چند برابر شدن قیمت اقلام وارداتی می‌شد. این در حالی است که ۸۰ درصد واردات کشور را اقلام واسطه‌ای و مواد اولیه تشکیل می‌دهند، این تصمیم هزینه تولید را به سرعت افزایش داد. در آن زمان، حدود ۷۰ درصد واردات با ارز مبادله (با نرخ حدود ۸۴ هزار تومان) و ۳۰ درصد باقی‌مانده با ارز ترجیحی (با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان) انجام می‌شد که این نرخ‌ها یک‌شبه افزایش شدیدی را تجربه کردند و ضربه به سفره مردم بدیهی به نظر می‌رسید، موضوع که بارها کارشناسان نسبت به آن هشدار داده بودند.

در چنین شرایطی، از قوه مقننه انتظار می‌رفت با توجه به انتقادات واردشده به این سیاست و عواقب آن، در برابر تصمیم دولت ایستادگی کند و از بروز فاجعه و بحران‌های اجتماعی ناشی از شوک درمانی جلوگیری به عمل آورد. اما در همان مقطع، قالیباف گفت: «نکته مهم آن است که دولت با اجرای این طرح، گام بزرگی در راستای ایجاد آرامش معیشتی مردم برمی‌دارد و شهروندان می‌توانند اطمینان داشته باشند که قدرت خریدشان برای تأمین کالاهای اساسی حفظ خواهد شد.»

کالایی که پیش از شوک ارزی دی‌ماه ۱۴۰۴ با دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و ۸۴ هزار تومانی وارد می‌شد، امروز با دلار بازار ۱۸۸ هزار تومانی وارد می‌شود. نرخ دلار در بازار آزاد نیز به بالای ۲۷۱ هزار تومان رسیده است. طبیعی است که با این تصمیمات، افزایش قیمت کالاها و کوچک‌تر شدن سفره‌های مردم را شاهد باشیم. تنها از زمان اجرای سیاست ارزی نیمه دی ماه سال گذشته دولت تاکنون، قیمت روغن مایع ۳۳۲ درصد، تخم‌مرغ ۱۴۹ درصد، شیر ۱۱۳ درصد، برنج خارجی ۱۱۵ درصد، گوشت قرمز ۱۰۳ درصد و مرغ ۸۷ درصد افزایش یافته است. در شرایط فعلی و با توجه به روند اقتصادی طی‌شده و تصمیمات اقتصادی اتخاذشده از سوی دولت، گرانی‌های کنونی و حتی ادامه‌دار بودن آن‌ها اتفاقی طبیعی به نظر می‌رسد.

ریشه گرانی در گران‌سازی نرخ ارز است

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، می‌گوید: «با گران‌سازی نرخ ارز رسمی به بهانه حذف رانت و فساد، تورم از دو کانال افزایش می‌یابد؛ نخست، واردات کالا با نرخ ارز گران‌تر و دوم، قیمت‌گذاری مواد اولیه داخلی مورد استفاده در تولید بر اساس نرخ ارز بالاتر. تولیدکننده‌ای که مواد اولیه را گران‌تر بخرد، ناچار محصول خود را نیز با قیمت بالاتری تولید خواهد کرد. ریشه مشکل را باید از سرچشمه، یعنی نرخ ارز رسمی، حل کرد، نه اینکه صرفاً در انتهای زنجیره و بازار به دنبال حل آن بود.»

در چنین شرایطی، انتقاد قالیباف از گرانی‌ها و حواله دادن افزایش قیمت‌ها به ضعف نظارت و عملکرد تعزیرات، نادیده گرفتن ریشه اصلی گرانی‌هاست. وقتی دولت از نیمه دی‌ماه با حذف ارز ترجیحی و افزایش نرخ ارز رسمی، هزینه تأمین ارز واردات و مواد اولیه تولید را بالا برده و این روند همچنان ادامه دارد، افزایش قیمت کالاها نتیجه طبیعی چنین تصمیماتی است. نرخ ارز رسمی نیز از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۳۸ درصد افزایش یافته است؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت تولیدکننده‌ای که مواد اولیه را گران‌تر خریده است، محصولات خود را با قیمت قبلی عرضه کند. در واقع، گرانی امروز بازار صرفاً حاصل گران‌فروشی یا ضعف نظارت نیست، بلکه بخش مهمی از آن ریشه در سیاست‌های ارزی دولت دارد که مجلس در مقابل آن سکوت کرده است.

نکته قابل تأمل آن است که مجلس در تمام این مدت با تصمیمات ارزی دولت همراهی کرده و حتی در مقطع حذف ارز ترجیحی، از این سیاست با وعده حفظ قدرت خرید مردم حمایت کرده است. هر چند نظارت بر بازار و مقابله با گران‌فروشی ضروری است، اما نمی‌توان با ابزارهای نظارتی، آثار افزایش هزینه‌های تولید و تأمین کالا را خنثی کرد. اگر رئیس مجلس واقعاً نگران کوچک شدن سفره مردم است، باید پیش از انتقاد از عملکرد تعزیرات، درباره تصمیمات ارزی‌ای که خود از آن‌ها حمایت کرده و همچنان ادامه دارد، پاسخگو باشد.

نوبنیاد با اشاره به نامه رهبر انقلاب بررسی کرد؛

هر خانه، یک نیروگاه؛ راهکاری برای عبور از ناترازی برق

خبر نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ضرورت خودکفایی منازل در تأمین برق، بار دیگر یکی از ظرفیت‌های مهم و کمتر استفاده‌شده در نظام انرژی کشور را مورد توجه قرار داده است؛ ظرفیتی که می‌تواند با تبدیل خانه‌ها به واحدهای کوچک تولید برق، بخشی از بار تأمین انرژی را از دوش نیروگاه‌های بزرگ و شبکه سراسری بردارد؛ موضوعی که در قالب طرح ملی «هر خانه، یک نیروگاه» اجرایی می‌شود.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، از دریافت نامه‌ای از رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت خودکفایی منازل در تأمین برق خبر داد و گفت: «در حال حاضر ۵۱ هزار خانه در کشور به مولدهای تجدیدپذیر پشت‌بامی تجهیز شده‌اند و وزارت نیرو در برنامه‌ای کلان، تجهیز ۶۰۰ هزار خانه دیگر را به این مولد در دستور کار خود دارد.» وی افزود: «مردم علاوه بر تأمین برق مصرفی مورد نیاز خود، این امکان را خواهند داشت برق مازاد تولیدی را به شبکه سراسری بفروشند.» این نامه در شرایطی مطرح شده که ناترازی برق طی سال‌های گذشته به یکی از موانع جدی تولید در کشور تبدیل شده و هر سال با آغاز فصل گرما، علاوه بر خاموشی‌های خانگی، صنایع مانند فولادی، سیمانی، پتروشیمی و سایر واحدهای تولیدی با محدودیت مصرف و قطع برق مواجه می‌شوند. البته تأمین برق بخش خانگی در اولویت قرار دارد و بخش صنعت ناچار است بخشی از هزینه کمبود برق کشور را با کاهش تولید، توقف خطوط تولید و عقب‌ماندن از برنامه‌های تولیدی بپردازد. این وضعیت علاوه بر تحمیل خسارت به بنگاه‌های اقتصادی، پیامدهایی مانند کاهش عرضه کالا، افزایش هزینه تمام‌شده محصولات و تضعیف توان صادراتی کشور به همراه دارد. در چنین شرایطی، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی می‌تواند راهکاری مکمل برای مدیریت ناترازی برق باشد؛ راهکاری که با انتقال بخشی از تولید برق از نیروگاه‌های بزرگ به محل مصرف، نیاز خانوارها به شبکه سراسری را کاهش می‌دهد و امکان آزادسازی بخشی از ظرفیت شبکه برای تأمین برق صنایع را فراهم می‌کند به بیان دیگر، اگر هر خانه بتواند بخشی از برق مورد نیاز خود را تولید کند، فشار کمتری بر شبکه وارد می‌شود و در ساعات اوج مصرف، امکان مدیریت بهتر عرضه برق میان بخش خانگی و صنعتی به وجود می‌آید. طرح «هر خانه، یک نیروگاه» صرفاً برنامه‌ای برای نصب پنل خورشیدی روی پشت‌بام‌ها نیست، بلکه می‌تواند به یکی از ابزارهای مدیریت ناترازی برق و کاهش تعارض میان تأمین برق خانگی و استمرار تولید در صنایع تبدیل شود. این موضوع می‌تواند در ساعات اوج مصرف، فشار تقاضای برق را کاهش دهد و ظرفیت بیشتری برای استمرار فعالیت صنایع ایجاد کند.

تجربه استرالیا و آلمان در برق خورشیدی

یکی از نمونه‌های موفق توسعه تولید برق خانگی، استرالیاست؛ کشوری که با استفاده از ظرفیت پشت‌بام ساختمان‌های مسکونی توانسته است میلیون‌ها مصرف‌کننده را به تولیدکننده برق تبدیل کند. براساس گزارش شورای انرژی پاک این کشور، در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ حدود ۱۸۱ هزار سامانه خورشیدی پشت‌بامی با ظرفیت مجموع ۱.۸۹ گیگاوات نصب شده است؛ رقمی که از رشد ۳۵ درصدی نصب این سامانه‌ها در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حکایت دارد. در همین دوره شمار خانه‌ها و کسب‌وکارهای کوچک مجهز به پنل خورشیدی از ۴.۵ میلیون واحد فراتر رفته است. یکی از عوامل موفقیت این برنامه، حمایت دولت از هزینه اولیه نصب تجهیزات بود. طرح حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر کوچک‌مقیاس در استرالیا، هزینه خرید و نصب سامانه‌های خورشیدی را حدود ۳۰ درصد کاهش داده است.

اهمیت این تجربه برای کشورمان آن است که حمایت هدفمند از هزینه سرمایه‌گذاری اولیه می‌تواند میزان مشارکت خانوارها را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. در ایران یکی از موانع اصلی توسعه نیروگاه‌های خانگی، هزینه اولیه نصب تجهیزات است و بدون تسهیلات بانکی و سازوکارهای تأمین مالی، نمی‌توان انتظار داشت بخش بزرگی از خانوارها به‌سرعت وارد این بازار شوند. آلمان نیز از کشورهای پیشرو در توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی است. بر اساس گزارش وزارت اقتصاد و انرژی این کشور، در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ حدود ۸ گیگاوات ظرفیت جدید خورشیدی به شبکه برق آلمان اضافه شده و ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های خورشیدی این کشور در پایان سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۱۷ گیگاوات رسیده بود. این روند نشان می‌دهد توسعه انرژی خورشیدی در آلمان صرفاً به احداث نیروگاه‌های بزرگ محدود نمانده و خانوارها نیز با نصب سامانه‌های کوچک در تولید برق مشارکت می‌کنند.

ظرفیتی برای کاهش ناترازی برق

وزارت نیرو نیز هدف‌گذاری کرده است ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی خانگی به حدود ۵ هزار مگاوات برسد. عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، در این باره می‌گوید: «در حال حاضر ۵۱ هزار خانه در سراسر کشور به مولدهای تجدیدپذیر پشت‌بامی تجهیز شده‌اند و وزارت نیرو در برنامه‌ای کلان، تجهیز ۶۰۰ هزار خانه دیگر را به این مولد در دستور کار خود دارد.» وی افزود: «در این طرح، شهروندان تشویق و هدایت می‌شوند تا با نصب تجهیزات خورشیدی کوچک بر روی پشت‌بام منازل مسکونی خود و استفاده از ذخیره‌ساز، به تولیدکنندگان برق تبدیل شوند.» مصطفی رجبی مشهدی، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، اعلام کرد که «ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی پشت‌بامی از حدود ۱۷۰ مگاوات به حدود ۶۵۰ مگاوات رسیده است.» رسیدن ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی پشت‌بامی به ۵ هزار مگاوات به معنای افزایش نزدیک به ۷.۷ برابری ظرفیت فعلی ۶۵۰ مگاواتی است. این میزان ظرفیت می‌تواند در ساعات تابش خورشید، بخشی از تقاضای برق بخش خانگی را تأمین کند و از میزان تقاضای برق، به‌ویژه در اوج مصرف، بکاهد. برای نمونه، در روزهای گرم تابستان که مصرف کولرها و تجهیزات سرمایشی به اوج می‌رسد، تولید برق در پشت‌بام خانه‌ها می‌تواند بخشی از بار شبکه را تأمین کند. در نتیجه، نیروگاه‌های بزرگ و شبکه سراسری با فشار کمتری برای پاسخ‌گویی به تقاضای هم‌زمان خانگی مواجه می‌شوند و امکان تخصیص ظرفیت بیشتری به صنایع فراهم می‌شود.

برآوردها اعلام شده نشان می‌دهد احداث یک نیروگاه خورشیدی ۵ کیلوواتی در ایران حدود ۳۵۰ تا ۴۵۰ میلیون تومان هزینه دارد؛ رقمی که برای بخش بزرگی از خانوارها سنگین است. زهره اولیا، مدیرکل دفتر بررسی‌های اقتصادی و تأمین منابع مالی ساتبا، از پرداخت تسهیلات تا سقف ۴۰۰ میلیون تومان با نرخ سود ۱۴ درصد و بازپرداخت ۶۰ ماهه خبر داد و گفت: «تاکنون بیش از ۳۵ میلیارد تومان تسهیلات به ۸۸ متقاضی پرداخت شده که ظرفیت نیروگاه‌های مربوط به این تسهیلات در مجموع حدود ۴۴۰ کیلووات است.» برای ارزیابی توجیه اقتصادی این سرمایه‌گذاری، یک نیروگاه ۵ کیلوواتی را در نظر بگیریم که به‌طور متوسط روزانه ۲۴ کیلووات‌ساعت برق تولید می‌کند. چنین نیروگاهی در یک ماه حدود ۷۲۰ کیلووات‌ساعت برق تولید خواهد کرد. با فرض خرید هر کیلووات‌ساعت برق به نرخ ۵۸ هزار و ۵۴۰ ریال، درآمد ناخالص ماهانه آن حدود ۴ میلیون و ۲۱۴ هزار تومان خواهد بود.

عبور از بحران ناترازی با پشت‌بام‌های خورشیدی

توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی نباید به‌عنوان جایگزینی کامل برای نیروگاه‌های بزرگ و زیرساخت‌های اصلی تولید برق تلقی شود؛ با این حال، مزیت اصلی تولید پراکنده برق در خانه‌ها این است که ظرفیت تولید را به محل مصرف نزدیک می‌کند و بخشی از نیاز خانوارها را بدون اتکای کامل به شبکه سراسری تأمین خواهد کرد. این موضوع در شرایطی که تأمین برق خانگی در اولویت قرار دارد و محدودیت برق صنایع به یکی از چالش‌های تکرارشونده تابستان تبدیل شده، اهمیت خود را نشان می‌دهد. اگر تولید خانگی در مقیاس گسترده افزایش یابد و برق تولیدشده به شکل مناسبی مدیریت شود، می‌توان بخش دیگری از ظرفیت شبکه را برای تأمین نیاز بخش صنعت آزاد کرد. از سوی دیگر، پراکندگی واحدهای تولید برق می‌تواند به افزایش امنیت انرژی و پدافند غیرعامل نیز کمک کند؛ زیرا اتکای کامل به تعداد محدودی نیروگاه بزرگ، شبکه را در برابر اختلال در زیرساخت‌های متمرکز آسیب‌پذیرتر می‌کند. در مقابل، توسعه تعداد زیادی واحد کوچک در شهرها و روستاها می‌تواند بخشی از ظرفیت تولید را در نقاط مختلف کشور توزیع کند.

نبض اقتصاد

مذاکره یا دستکاری بازار؛ قیمت نفت چرا ریخت؟

قیمت نفت پس از ثبت رکوردهای اخیر و رسیدن به محدوده ۱۱۸ دلار، با سقوطی ناگهانی مواجه شد؛ روندی که هم‌زمان با انتشار اخبار مربوط به احتمال ازسرگیری مذاکرات ایران و آمریکا شدت گرفت. با این حال، بررسی سازوکار معاملات بازار نفت نشان می‌دهد که نمی‌توان تمام این کاهش قیمت را به تحولات سیاسی و خوش‌بینی معامله‌گران نسبت به پایان جنگ نسبت داد. دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا نیز با ابراز خرسندی از کاهش قیمت نفت، این اتفاق را ناشی از تصور بازارها درباره منتفی شدن جنگ دانست. اما آنچه در آخرین روز معاملاتی اکتبر (دوشنبه هفته جاری) رخ داد، از زاویه دیگری نیز قابل بررسی است. در روز جمعه گذشته، قیمت نفت برنت به‌یک‌باره از محدوده ۱۱۸ دلار به حدود ۱۱۳ دلار سقوط کرد. بخشی از این افت ناشی از پدیده‌ای موسوم به «تغییر قرارداد» یا کانترکت سوییچ بود. در بازار قراردادهای آتی، با پایان سررسید قرارداد ماه جاری و جایگزینی آن با قرارداد ماه بعد، به دلیل اختلاف قیمت دو قرارداد، ممکن است در نمودارهای پیوسته شکاف قیمتی ایجاد شود؛ اتفاقی که لزوما به معنای افت واقعی قیمت نفت نیست. اما موضوع مهم‌تر، یک موقعیت فروش بزرگ در بازار قراردادهای آتی است. بنا بر گزارش‌ها، فرد یا نهادی مالی تنها پنج دقیقه پیش از سررسید قرارداد آتی نفت برنت دسامبر ۲۰۲۶، موقعیت فروشی با ارزش اسمی یک میلیارد دلار را ثبت کرده است. هم‌زمان، فروش اختیار خرید و خرید اختیار فروش نیز به شکل‌گیری پدیده‌ای منجر شد که بیش از ۵ دلار از قیمت نفت کاست. اگرچه اخبار مذاکرات و حضور میانجی‌ها در تهران بر انتظارات بازار اثر گذاشته، اما هم‌زمانی این تحولات با معاملات بزرگ و سازوکارهای فنی بازار، پرسش‌هایی درباره نقش بازیگران بزرگ در افت قیمت نفت ایجاد کرده است. در آخرین قیمت‌های گزارش‌شده دیروز (سه‌شنبه ۱۲ آبان)، نفت برنت حدود ۱۰۵ دلار و ۵۵ سنت در هر بشکه معامله شد؛ قیمتی که همچنان فاصله محسوسی با اوج ۱۱۸ دلاری روز جمعه دارد.

جنگ با ایران نفس صنایع جهان را گرفت

رویترز در گزارشی نوشت: اگرچه فعالیت کارخانه‌های جهان در ماه اکتبر همچنان در مسیر رشد قرار داشت، اما افزایش هزینه انرژی و اختلال در زنجیره تامین، فشار بر حاشیه سود تولیدکنندگان را افزایش داده است. براساس این گزارش، ادامه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران با بالا نگه داشتن قیمت سوخت و مواد غذایی، مصرف و اعتماد کسب‌وکارها را تحت تاثیر قرار داده است. شاخص مدیران خرید بخش تولید منطقه یورو در اکتبر به ۵۲.۷ واحد رسید که در مقایسه با ۵۲.۹ واحد در سپتامبر کاهش نشان می‌دهد. با این حال، این شاخص همچنان بالاتر از مرز ۵۰ واحد قرار دارد که نشان‌دهنده رشد فعالیت‌های صنعتی است. در عین حال، افزایش هزینه مواد اولیه به یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های تولیدکنندگان تبدیل شده است. قیمت نهاده‌های تولید در منطقه یورو با بیشترین سرعت از ماه مه افزایش یافته و قیمت محصولات نهایی نیز به‌سرعت بالا رفته است. افزایش تقاضا در شرایط محدودیت عرضه، فشار تورمی را تشدید کرده و توان شرکت‌ها برای حفظ حاشیه سود را کاهش داده است. اختلال در زنجیره تامین نیز در اکتبر تشدید شد و زمان تحویل کالا از سوی تامین‌کنندگان به بدترین وضعیت از ژوئن رسید. در واکنش به این شرایط، کارخانه‌ها حجم خرید مواد اولیه را با بیشترین سرعت در حدود ۴.۵ سال گذشته افزایش دادند و برای نخستین بار از دسامبر ۲۰۲۲ به ذخیره‌سازی مواد اولیه روی آوردند. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که قیمت نفت خام در بازارهای جهانی به بیش از ۱۱۶ دلار در هر بشکه رسید؛ سطحی که حدود ۶۰ درصد بالاتر از قیمت‌ها پیش از جنگ با ایران است. افزایش هزینه انرژی و دشواری تامین مواد اولیه، به‌ویژه برای اقتصادهای وابسته به صادرات، به تهدیدی جدی تبدیل شده است.

یادداشت

آغاز تسویه حساب در کاخ سفید

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

ترامپ اکنون با طولانی‌شدن درگیری، افزایش هزینه‌های نظامی و پیامدهای سیاسی جنگ با ایران مواجه شده و به گزارش نشریه آمریکایی «آتلانتیک»، در جست‌وجوی فردی است که مسئولیت ناکامی محاسبات اولیه جنگ را بر عهده بگیرد. گزارش جدید این نشریه نشان می‌دهد اختلافات درون دولت آمریکا بر سر عملکرد مقامات نظامی افزایش یافته و پیت هگست، وزیر جنگ این کشور، به یکی از افراد تحت فشار تبدیل شده است.

آتلانتیک در گزارشی نوشت که ترامپ در گفت‌وگو با مشاوران نزدیک خود، عملکرد هگست و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، را زیر سؤال برده است. هر دو مقام در ابتدای جنگ از چشم‌انداز عملیات ابراز خوش‌بینی کرده بودند؛ اما اکنون با گذشت بیش از هشت ماه از آغاز درگیری، وعده پایان سریع جنگ محقق نشده است.

موضوع مهم‌تر، گزارش آتلانتیک درباره نحوه اطلاع‌رسانی مقامات نظامی به رئیس جمهور آمریکاست. یکی از مشاوران نزدیک ترامپ ادعا کرده هگست به جای ارائه تصویری واقع‌بینانه از تحولات میدان، عمدتاً مطالبی را به رئیس جمهور منتقل می‌کند که مورد پسند او ست.

نشانه‌های این اختلاف پیش‌تر نیز آشکار شده بود. روزنامه واشنگتن پست گزارش داد که ترامپ در نشستی در کمپ دیوید، به‌شدت از هگست درباره کمبود ذخایر تسلیحاتی آمریکا توضیح خواسته است. براساس این گزارش، ارتش آمریکا تنها در نخستین ماه جنگ بیش از ۸۵۰ موشک تاماهاوک و بیش از هزار موشک رهگیر پاتریوت و تاد مصرف کرده بود. پنتاگون نیز برای جبران هزینه‌های جنگ و بازسازی ذخایر، درخواست ۶۷ میلیارد دلار اعتبار اضافی ارائه کرد.

فشارها بر هگست تنها به انتقادات سیاسی محدود نیست. آتلانتیک گزارش داده که وزیر جنگ آمریکا اخیراً ژنرال برت سیلویا، از مقامات ارشد برنامه‌ریزی نظامی، را در جریان تحقیقات مربوط به افشای اطلاعات برکنار کرده است. هم‌زمان نشریه نیویورک‌پابلیک از افزایش فشارهای کنگره علیه هگست و درخواست توماس مسی، نماینده جمهوری‌خواه، برای برکناری او خبر داده است.

بااین‌حال، جابه‌جایی احتمالی مقامات نظامی لزوماً به معنای پایان سیاست تقابل با ایران نیست. آتلانتیک هشدار داده که ترامپ همچنان گزینه حملات مجدد را بررسی می‌کند. حتی مشاوران او احتمال آغاز دور تازه‌ای از عملیات پس از انتخابات میان‌دوره‌ای را مطرح کرده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند ذخایر نظامی آمریکا را بیشتر کاهش دهد و هزینه‌های اقتصادی تازه‌ای ایجاد کند.

نکته اساسی آن است که تصمیم آغاز جنگ در نهایت در سطح ریاست جمهوری آمریکا اتخاذ شده و مسئولیت سیاسی آن را نمی‌توان صرفاً متوجه مشاوران نظامی دانست. برکناری یک وزیر یا فرمانده ممکن است پاسخی به فشار افکار عمومی باشد، اما به‌تنهایی محاسباتی را که به آغاز و تداوم جنگ انجامیده، تغییر نخواهد داد. اکنون پرسش اصلی برای کاخ سفید این نیست که چه کسی باید هزینه سیاسی جنگ را بپردازد بلکه این است که چرا وعده پیروزی سریع به نتیجه مورد انتظار نرسید و ادامه همان سیاست چگونه می‌تواند نتیجه متفاوتی به همراه داشته باشد.

بین الملل

«نه» قاطع سرلشکر به بازی انتخاباتی آمریکا



درحالی‌که شب گذشته انتشار اخبار غیررسمی درباره نزدیک شدن تهران و واشنگتن به توافق، به ابزاری برای اثرگذاری بر بازار نفت و فضای سیاسی آمریکا تبدیل شده بود، موضع صریح محسن رضایی نشان داد که ایران حاضر نیست حقوق و مطالبات خود را قربانی نمایش‌های انتخاباتی کاخ سفید کند. پیش از این موضع‌گیری، انتشار خبری از سوی روزنامه «العربی الجدید» درباره موافقت واشنگتن با پیش‌نویس یادداشت تفاهم ارائه‌شده از سوی هیئت قطری، فضای خوش‌بینانه‌ای در بازار نفت ایجاد کرد؛ فضایی که هم‌زمان با انتشار گزارش‌هایی درباره امتیازدهی دو طرف در پرونده هسته‌ای و دارایی‌های بلوکه‌شده، به کاهش بهای نفت و رسیدن آن به محدوده ۱۰۰ دلار کمک کرد. این تحولات در شرایطی رخ داد که دونالد ترامپ نیز از ادعای نزدیک بودن توافق برای نمایش دستاورد دیپلماتیک و اقتصادی در آستانه انتخابات آمریکا بهره می‌برد. در چنین فضایی محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول دیپلماسی در دوره جنگ، با انتشار پیامی بر ناکافی بودن پاسخ آمریکا تأکید کرد و نوشت: «پاسخ آمریکا به حقوق و مطالبات ایران قانع‌کننده نبود و آن‌ها باید کامل و صریح هفت شرط ایران را پاسخ داده و به آن عمل کنند؛ تنها در این صورت تنگه هرمز باز خواهد شد.» این موضع صریح، خط قرمز تهران را در برابر فضاسازی‌های رسانه‌ای و تلاش برای القای توافق روشن کرد. پیام رضایی در واقع تأکیدی بر این نکته بود که نوسان قیمت نفت و بهره‌برداری تبلیغاتی واشنگتن از اخبار مذاکرات، تغییری در مطالبات جمهوری اسلامی ایجاد نمی‌کند.

محاسبات اشتباه کاخ سفید درباره ایران، زمینه شکست بزرگ جمهوری‌خواهان را به وجود آورده است

نه آمریکا به ترامپ

انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در حالی برگزار شد که دونالد ترامپ با یکی از سخت‌ترین بحران‌های سیاسی دوران ریاست‌جمهوری خود مواجه شده است. سقوط محبوبیت رئیس‌جمهور آمریکا به ۳۲ درصد، پیشتازی هشت‌واحدی دموکرات‌ها و نارضایتی گسترده از افزایش هزینه‌های زندگی، احتمال شکست سنگین جمهوری‌خواهان را تقویت کرده است. جنگ پرهزینه با ایران نیز برخلاف محاسبات کاخ سفید، به یکی از عوامل فشار انتخاباتی علیه ترامپ تبدیل شده است. بااین‌حال، برای ایران مسئله اصلی پیروزی دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهان نیست و سیاست کلان کشور به تغییر توازن قدرت در واشنگتن وابسته نیست و نباید باشد.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

انتخابات سوم نوامبر، اگرچه نام ترامپ در برگه‌های رأی آن دیده نمی‌شود، عملاً به همه‌پرسی درباره عملکرد دو سال نخست دولت دوم او تبدیل شده است. آمریکایی‌ها برای تعیین ترکیب مجلس نمایندگان و بخشی از سنا رأی می‌دهند. انتخاباتی که می‌تواند کنترل کنگره را از جمهوری‌خواهان بگیرد و اختیارات سیاسی رئیس‌جمهور را در دو سال باقی‌مانده محدود کند.

آخرین نظرسنجی رویترز و ایپسوس که دوم نوامبر منتشر شد، نشان می‌دهد تنها ۳۲ درصد آمریکایی‌ها از عملکرد ترامپ رضایت دارند. رقمی نزدیک به پایین‌ترین سطح محبوبیت او. در همین نظرسنجی، ۴۶ درصد رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده از دموکرات‌ها و ۳۸ درصد از جمهوری‌خواهان حمایت کرده‌اند. فاصله هشت‌واحدی دو حزب، نشانه برتری دموکرات‌هاست. هرچند این فاصله نسبت به هفته گذشته سه واحد کاهش یافته است. همچنین ۵۰ درصد رأی‌دهندگان مستقل گفته‌اند رأی آنان علیه ترامپ خواهد بود و تنها ۱۳ درصد انگیزه حمایت از او را دارند.

بحران اصلی جمهوری‌خواهان در اقتصاد ریشه دارد. ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ وعده مهار تورم و کاهش قیمت‌ها را داده بود، اما اکنون افزایش هزینه‌های زندگی به مهم‌ترین دغدغه بسیاری از رأی‌دهندگان تبدیل شده است.

در میان عوامل تضعیف موقعیت انتخاباتی ترامپ، جنگ با ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. جنگی که در فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، برخلاف انتظار اولیه دولت آمریکا به درگیری طولانی مدت تبدیل شده و افزایش قیمت نفت، بنزین و گازوئیل فشار بیشتری بر اقتصاد این کشور وارد کرده است. به گزارش گاردین، افزایش بهای سوخت، هزینه حمل‌ونقل و فعالیت‌های کشاورزی را بالا برده است. به این ترتیب، پیامدهای جنگ از حوزه نظامی فراتر رفته و مستقیماً وارد زندگی روزمره آمریکایی‌ها شده است. مسئله‌ای که دموکرات‌ها در تبلیغات انتخاباتی علیه جمهوری‌خواهان مورد استفاده قرار داده‌اند. جاناتان مارتین، تحلیلگر سیاسی پالتیکو، نیز در بررسی احتمال شکست جمهوری‌خواهان، مسئولیت اصلی وضعیت انتخاباتی این حزب را متوجه ترامپ دانسته است. او سه عامل را برجسته می‌کند: سیاست‌های تعرفه‌ای، پیامدهای اقتصادی جنگ با ایران و شیوه اجرای سیاست‌های مهاجرتی. ترامپ در حالی تلاش کرده نامزدهای جمهوری‌خواه را با حضور در گردهمایی‌های انتخاباتی تقویت کند که تصمیمات کاخ سفید خود به موضوع اصلی حملات انتخاباتی دموکرات‌ها تبدیل شده است. این وضعیت نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری که قرار بود مهم‌ترین سرمایه انتخاباتی حزب باشد، اکنون برای بسیاری از نامزدهای آن به عاملی پرهزینه تبدیل شده است.

نشانه‌های فرسایش فضای رسانه‌ای حامی ترامپ نیز قابل توجه است. فایننشال تایمز گزارش داده که میانگین مخاطبان برنامه‌های پربیننده شبانه فاکس‌نیوز در اکتبر نسبت به سال گذشته ۲۸ درصد کاهش یافته و به کمتر از ۱٫۷ میلیون نفر رسیده است. مخاطبان روزانه این شبکه نیز ۲۷ درصد کاهش داشته‌اند. هرچند لاکلان مرداک این وضعیت را ناشی از خستگی مخاطبان می‌داند و فاکس همچنان پربیننده‌ترین شبکه خبری کابلی آمریکاست، کاهش مخاطبان آن در آستانه انتخابات، در کنار سایر شاخص‌های سیاسی، قابل تأمل است. البته افت بینندگان یک شبکه را نمی‌توان مستقیماً معادل کاهش آرای جمهوری‌خواهان دانست.

اما پرسش مهم برای ایران این است که شکست احتمالی ترامپ چه تغییری در سیاست آمریکا ایجاد خواهد کرد؟ تفاوت دو حزب را نیز نباید نادیده گرفت. دموکرات‌ها در موضوع اختیارات جنگی رئیس‌جمهور، نظارت کنگره و امکان پیگیری راهکارهای دیپلماتیک مواضعی متفاوت از بسیاری از جمهوری‌خواهان دارند. این تفاوت می‌تواند بر شدت و شیوه اجرای سیاست آمریکا اثر بگذارد، اما تضمین‌کننده تغییر اهداف کلان واشنگتن نیست. ازاین‌رو، تحلیل تحولات آمریکا برای تصمیم‌گیری ایران ضروری است، ولی تبدیل نتیجه انتخابات آن کشور به شرط آغاز اقدامات داخلی یا تغییر راهبرد ملی، خطایی محاسباتی خواهد بود.

در همین زمینه، کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تأکید کرده است که ایران سیاست خارجی خود را به انتخابات سایر کشورها گره نمی‌زند و منتظر نتایج انتخابات آمریکا نمی‌ماند. این موضع باید در عمل نیز مبنای تصمیم‌گیری باشد. تقویت توان دفاعی و بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، توسعه روابط با همسایگان، متنوع‌سازی مناسبات تجاری و پیگیری دیپلماسی براساس منافع ملی، اقداماتی هستند که نباید به آرایش سیاسی کنگره آمریکا وابسته شوند.

در نهایت، شکست احتمالی ترامپ می‌تواند نشانه‌ای از نارضایتی گسترده جامعه آمریکا از عملکرد دولت او باشد، اما نباید به انتظار برای تغییر سیاست واشنگتن تبدیل شود. ایران باید تحولات انتخاباتی آمریکا را دقیق رصد کند و از فرصت‌های احتمالی دیپلماتیک بهره ببرد، بی‌آنکه برنامه‌های راهبردی خود را متوقف سازد. تجربه نشان داده است تغییر حزب حاکم در آمریکا الزاماً به رفع تحریم‌ها یا پایان اختلافات با ایران منجر نمی‌شود.

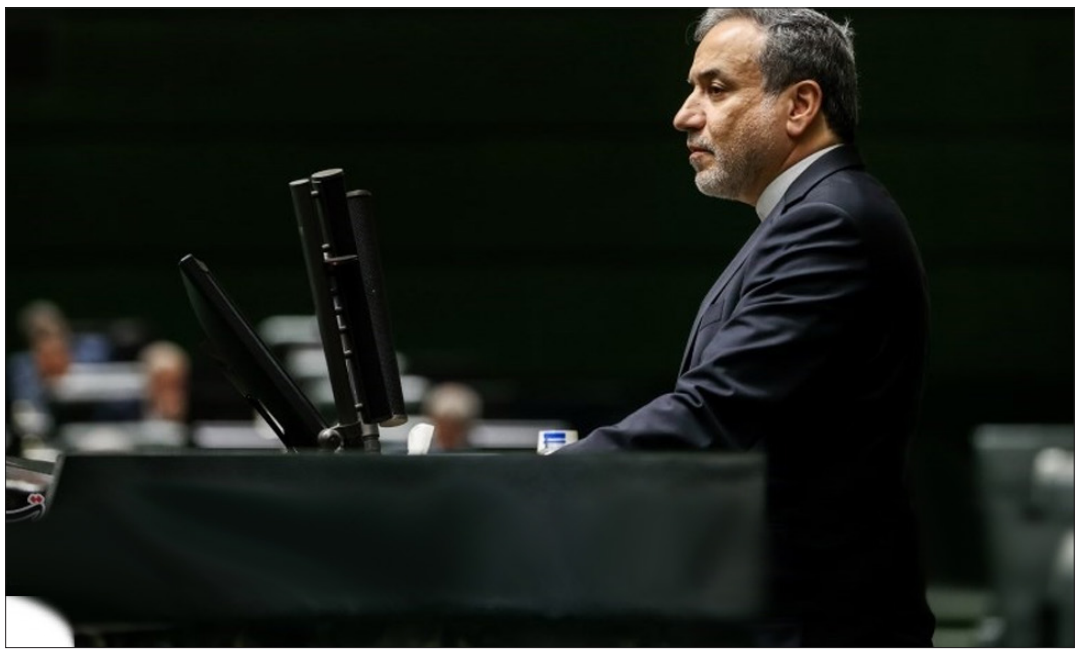
جنگ، برگ برنده انتخاباتی ترامپ را سوزاند

جاناتان مارتین، تحلیلگر سیاسی پالیتیکو، نیز در بررسی احتمال شکست جمهوری‌خواهان، مسئولیت اصلی وضعیت انتخاباتی این حزب را متوجه ترامپ دانسته است. او سه عامل را برجسته می‌کند: سیاست‌های تعرفه‌ای، پیامدهای اقتصادی جنگ با ایران و شیوه اجرای سیاست‌های مهاجرتی. ترامپ در حالی تلاش کرده نامزدهای جمهوری‌خواه را با حضور در گردهمایی‌های انتخاباتی تقویت کند که تصمیمات کاخ سفید خود به موضوع اصلی حملات انتخاباتی دموکرات‌ها تبدیل شده است.

سیگنال‌های عراقچی به طرف متخاصم، بازهم قیمت نفت را سرکوب کرد

وزیر ضرر خارجی

در شرایطی که دونالد ترامپ زیر فشار سنگین افکار عمومی آمریکا و افزایش قیمت نفت، در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای مجلسین این کشور به دنبال مهار بحران اقتصادی است و هم‌زمان نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از احتمال دور جدید حمله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران به چشم می‌خورد، عباس عراقچی و دستگاه دیپلماسی دولت پزشکیان با ارسال پالس‌های مذاکره، عملاً به کمک اقتصادی و سیاسی رئیس‌جمهور آمریکا شتافته‌اند.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

خبرگزاری رویترز در گزارشی با عنوان «اعلام آمادگی ایران برای مذاکرات صلح، قیمت نفت را ۷ درصد کاهش داد» در اول نوامبر ۲۰۲۶، با به‌روزرسانی در دوم نوامبر، به‌صراحت از تأثیر پیام‌های مذاکره‌ای ایران بر بازار نفت خبر داد. براساس این گزارش، قیمت نفت برنت با کاهش ۸ دلار و ۶۶ سنتی، معادل ۷.۶۳ درصد، به ۱۰۴ دلار و ۷۷ سنت رسید و نفت وست تگزاس اینترمدیت نیز با افت ۷ دلار و ۶۶ سنتی، معادل ۷.۳۶ درصد، در سطح ۹۶ دلار و ۴۶ سنت قرار گرفت. رویترز علت اصلی این سقوط دریافت سیگنال‌های تهران عنوان کرد. این گزارش به ادعای مسعود پزشکیان درباره اعطای «اختیارات مشخص» از سوی رهبر انقلاب، به دولت برای مذاکرات صلح نیز اشاره کرد. پزشکیان گفته بود تهران تلاش خواهد کرد مشکل را از طریق گفت‌وگو حل کند. این اتفاق برای ترامپ، آن هم چند روز مانده به انتخابات، یک فرصت تبلیغاتی و اقتصادی قابل توجه محسوب می‌شد.

ترامپ از پالس عراقچی و پزشکیان بهره‌برداری کرد

رئیس‌جمهور آمریکا در دوم نوامبر، در شبکه اجتماعی تروث سوشال، نوشت: «قیمت نفت مثل سنگ دارد سقوط می‌کند، تقریباً ۱۰ دلار در هر بشکه پایین آمده، یک رکورد. چون مردم حس می‌کنند جنگی با ایران در کار نخواهد بود. ایران می‌خواهد هرچه زودتر به توافق برسد. ممکن است اتفاق بیفتد!» ترامپ در مصاحبه تلفنی با آکسیوس نیز مدعی شد: «به هر حال کاری می‌کنیم، ولی عجله‌ای نیست.

از نظر مالی فلج‌شان کردیم. پول ندارند، بنزین ندارند و مردمشان خیلی خسته شده‌اند.» او در ادامه گفت مذاکرات خوب پیش می‌رود و ایران بیش از هر زمان دیگری خواهان توافق است.

رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگو با خبرنگاران و همچنین سخنرانی پایانی خود پیش از انتخابات در نزدیک بنای لینکلن، بار دیگر کاهش ۱۰ دلاری نفت را به‌عنوان نشانه پیروزی آمریکا معرفی کرد. این اظهارات نشان می‌دهد ترامپ چگونه از پیام‌های مذاکره‌ای تهران برای ساختن تصویر پیروزی در داخل آمریکا استفاده می‌کند. او از یک طرف ایران را در آستانه توافق و تسلیم معرفی می‌کند و از طرف دیگر با ادامه تهدیدها و تحقیر ایران، می‌کوشد دستاوردی انتخاباتی از تحولات منطقه بسازد.

عراقچی؛ عنصر کمک‌رسان به واشنگتن

تحولات چند روز اخیر تنها به اظهارات پزشکیان و مواضع عراقچی محدود نبوده است. سفر کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه، به قطر نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، روز دوشنبه ۱۱ آبان اعلام کرد این سفر با هدف تسهیل تعاملات میان ایران و میانجی‌های قطری انجام شده و دوحه در حال تسهیل تبادل پیام‌ها میان تهران و واشنگتن است. به گفته بقایی، ترکیب تیم مذاکره‌کننده تغییر نکرده، مدیریت دیپلماسی در شورای عالی امنیت ملی قرار دارد اما همچنان محمدباقر قالیباف مذاکره‌کننده ارشد است.

اما مسئله اصلی، محتوای این رایزنی‌ها و پیام سیاسی حاصل از آن است. عراقچی در اظهارات حدود ده روز اخیر خود، از طرح اولیه هفت‌روزه ایران برای بازگشایی تنگه هرمز سخن گفته و سپس از کاهش زمان اجرای آن به پنج روز یا کمتر و در نهایت دو روز خبر داده است. براساس توضیحات او، در روز نخست آمریکا باید اقدامات مورد درخواست ایران را انجام دهد و در روز دوم تنگه هرمز بازگشایی شود.

نکته مهم‌تر اینکه با ارسال پالس‌های مذاکره‌ای عراقچی و سفر هیئت ایرانی به قطر، قیمت نفت پس از بازگشایی بازار در سطح ۱۰۵ دلار برای شاخص نفت برنت ثبت شد؛ این در حالی بود که قیمت نفت در روز جمعه تا سقف ۱۱۹ دلار پیش رفته بود. عراقچی، خواسته یا ناخواسته، به یکی از مهم‌ترین عناصر مؤثر در این معادله تبدیل شده است.

هشدار اتمی کارلسون و سایه جنگ سوم

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که تاکر کارلسون، روزنامه‌نگار و مجری سرشناس آمریکایی، روز یکشنبه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد دولت ترامپ تحت تحریکات نتانیاهو ممکن است ظرف چند روز آینده دست به حمله اتمی علیه ایران بزند. کارلسون با اشاره به تأسیسات نفوذناپذیر کوه کلنگ در مرکز ایران، ادعا کرد هیچ سلاح متعارفی در زرادخانه آمریکا توان نفوذ به عمق ۹۱ متری لایه‌های گرانیتی این تونل‌ها را ندارد و تنها گزینه نظامی برای تخریب آنها، استفاده از ضربه هسته‌ای است. اهمیت این موضع از آن جهت است که کارلسون پیش‌تر از چهره‌های حامی جریان ماگا و جمهوری‌خواهان بود، اما در تابستان گذشته با انتقاد از سیاست‌های این جریان و اولویت دادن به منافع اسرائیل، جدایی خود را از آن اعلام کرد.

مطالبه ملت؛ عزل و محاکمه مسببان

امروز مطالبه عزل عباس عراقچی، نسخه ظاهرالصلاح ظریف، به خواسته‌ای جدی افکار عمومی و نمایندگان ملت تبدیل شده است. وزیری که نه در پرونده برجام کارنامه قابل دفاعی ارائه کرده و نه در دو سال اخیر توانسته با مواضع سنجیده و عملکردی مقتدرانه، اعتماد عمومی را جلب کند. مواضع نابه‌جا، ساده‌انگاری در برابر طرف آمریکایی و ارسال پیام‌هایی که حتی بیش از مواضع اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، بر انتظارات بازار نفت اثر گذاشته‌اند، اکنون به موضوع اعتراض تبدیل شده است.

خشم عمومی نسبت به عملکرد محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، نیز از همین نقطه ناشی می‌شود؛ منتقدان معتقدند همراهی تمام‌وکمال او با روند موجود، عملاً وظیفه نظارتی مجلس را متوقف کرده و مانع پیگیری مسئولیت وزیر خارجه شده است. مسببان سه نوبت دیپلماسی ذلت‌بار، اشتباه و فریب خورده که پیش از سه جنگ با ساده‌انگاری، محاسبات غلط و اعتماد به ترامپ به فراهم‌شدن زمینه حمله کمک کردند، باید به‌صراحت شناسایی و در برابر ملت معرفی شوند.

دیپلماسی در خدمت انتخابات ترامپ!

رویترز صراحتاً از سقوط قیمت نفت در پی سیگنال آمادگی ایران برای مذاکره خبر داده و ترامپ نیز با بهره‌برداری تبلیغاتی از همین پیام‌ها، مدعی شده است ایران برای توافق عجله دارد. در چنین شرایطی، مطالبه عزل عراقچی و پاسخگویی تیم دیپلماسی، دیگر صرفاً یک اختلاف سیاسی نیست؛ بلکه به مسئله‌ای مرتبط با امنیت ملی و مسئولیت‌پذیری در برابر ملت تبدیل شده است.

یادداشت

مماشات دیپلماتیک، چراغ سبز تجاوز!

دکتر غیاث‌الدین رحیمی
کارشناس مسائل بین‌الملل

در روزهای اخیر گزارش‌هایی از بمباران برخی مناطق در جنوب ایران و پیش‌تر حمله به دو شناور ماهیگیری ایرانی منتشر شده است؛ در همین راستا شامگاه دوشنبه نیز اخباری از حملات آمریکا به مواضعی در جزیره قشم و برخی نقاط دیگر هرمزگان مخابره شد. اقداماتی که گرچه با پاسخ های موردی ایران روبرو شد ولی واکنشی در خور مشاهده نشد. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، چند روز پیش در دیدار فرماندهان ارشد نظامی تأکید کردند: «هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود». برای درک ضرورت این تأکیدات، باید تحولات ماه‌های اخیر را مرور کرد.

پس از آتش‌بس جنگ رمضان، چندین درگیری مستقیم میان ایران و آمریکا رخ داده است؛ از زد و خوردهای چند ساعته تا نبرد دو هفته‌ای هرمز. این درگیری‌ها از نظر نوع اهداف و گستره جغرافیایی محدود ماندند و نشان دادند دو طرف تمایلی به گسترش جنگ ندارند. در مورد آمریکا، دلیل این رویکرد روشن است، واشنگتن و تل‌آویو در جنگ رمضان بخش عمده توان خود را به کار گرفتند، اما به اهداف راهبردی که در نظر داشتند نرسیدند. در چنین شرایطی، آمریکا کوشید تقابل را به منطقه خاکستری بکشاند؛ از محاصره و حملات مقطعی گرفته تا تلاش برای فرسایش تدریجی توان ایران و یافتن راهی برای حل مسئله تنگه هرمز از سمت جنوبی آن.

در مقابل ایران با اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز، اهرمی مهم در اختیار گرفت و در پایان جنگ، نسبت به پیش از آن از اعتماد به نفس بیشتری نیز برخوردار بود. اما خطای برخی مسئولان سیاست خارجی با توجیه «فرصت دادن به دیپلماسی»، به ویژه در چارچوب تفاهم‌نامه اسلام‌آباد آمریکا را نیز به این خطای محاسباتی انداخت که می‌تواند بدون پذیرش نقش ایران تنگه هرمز را باز نگه دارد. همین خطای محاسباتی در نهایت بر روند مذاکرات نیز اثر گذاشت. ناکامی این مسیر بار دیگر امکان اعمال مقتدرانه حاکمیت ایران بر تنگه هرمز را فراهم کرد؛ اقدامی که آثار آن در قیمت نفت نیز آشکار شد و آمریکا را به میز مذاکره بازگرداند.

در چند روز اخیر مذاکراتی با میانجی‌گری قطر در حال انجام است که بار دیگر مانند مذاکرات و تفاهم‌نامه اسلام‌آباد تبدیل به مانعی برای واکنش مناسب نیروهای مسلح شده است، زیرا همچنان این تصور وجود دارد که اگر ایران واکنش سختی نشان دهد، مسیر دیپلماسی بسته خواهد شد. این رویه و درک از دیپلماسی آن هم در برابر آمریکای ترامپ نشان از یک خطای فکری راهبردی در دستگاه سیاست خارجی کشور دارد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

پارتی‌های نوید محمدزاده و واقعیت گم‌شده جامعه

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

اظهارات نوید محمدزاده در جشنواره توکیو، بار دیگر یکی از بیماری‌های مزمن سینمای ایران را عیان کرد: جماعتی که تجربه زیسته حلقه محدود دوستان خود را به جای واقعیت جامعه جا می‌زنند و بعد، با ژست روشنفکری، مدعی بازنمایی زنان و مردان امروز ایران می‌شوند. محمدزاده در نشست خبری فیلم «واقعاً آدم خاصی نیستم» از پارتی‌های دوران جنگ گفت و وعده داد که با بازگشت به ایران دوباره پارتی بگیرد. ظاهراً در جهان آقای بازیگر، جنگ هم چیزی نیست جز وقفه‌ای کوتاه میان دو دورهمی دوستانه. البته این تمام ماجرا نیست. محمدزاده از تصویر «تیپیکال» زن ایرانی در سینما انتقاد می‌کند و خواهان نمایش زنان امروز است. اما پرسش اینجاست که کدام زنان؟ زنانی که در مهمانی‌های دوستانه او حضور دارند یا زنانی که بیرون از قاب سینمای مورد علاقه‌اش، با دشواری‌های معیشت، نگرانی از آینده و پیامدهای جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کنند؟ آیا واقعاً تصور می‌کند تجربه چند دوست و همکارش، نماینده زندگی میلیون‌ها زن ایرانی است؟

مشکل این جماعت آن است که تا توانسته‌اند از کلیشه‌های سینمای ایران انتقاد کرده‌اند، اما خودشان کلیشه‌ای تازه ساخته‌اند؛ زنی که تمام هویتش در مهمانی، روابط شخصی و عبور از محدودیت‌ها خلاصه می‌شود. گویا زن ایرانی نه دغدغه خانواده دارد، نه معیشت، نه امنیت و نه آینده؛ فقط باید در قاب مطلوب این سینماگران ظاهر شود تا به رسمیت شناخته شود. این همان تقلیل واقعیت جامعه به جهان‌بینی یک حلقه محدود است؛ با این تفاوت که این بار نامش را آزادی و بازنمایی گذاشته‌اند.

کسی منکر حق مردم برای شادی و زندگی در روزهای جنگ نیست. مردم در سخت‌ترین شرایط هم زندگی می‌کنند، می‌خندند و دور هم جمع می‌شوند. اما اینکه یک بازیگر تجربه شخصی خود را به جای واقعیت جامعه عرضه کند و از آن نسخه‌ای برای بازنمایی زنان ایرانی بسازد، دیگر نه جسارت است و نه روشنفکری؛ خودشیفتگی فرهنگی است. وقتی پای شناخت جامعه به میان می‌آید، نمی‌توان فقط آن بخش از واقعیت را دید که به مذاق حلقه دوستان خوش می‌آید و باقی را مفتضحانه نادیده گرفت.

هنر قرار نیست آینه خودشیفتگی هنرمند باشد. قرار است چشم ما را به زندگی دیگران باز کند؛ به واقعیت‌هایی که بیرون از مهمانی‌های خصوصی و محافل محدود جریان دارند. اگر سینمای ایران هنوز در فهم جامعه‌ای که ادعای نمایندگی‌اش را دارد درمانده است، دست‌کم نباید این ناتوانی را به نام آزادی و واقع‌گرایی بفروشد.

آیا کارنامه فرهنگ و هنر ایران در زمینه استکبارستیزی قابل قبول است؟

غیبت سینمای ایران در روایت ۱۳ آبان

امروز ۱۳ آبان، سالروز تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام است، رویدادی که به بحران ۴۴۴ روزه گروگان‌گیری و یکی از مهم‌ترین نقاط عطف روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی انجامید. با وجود اهمیت این واقعه، سینمای ایران هنوز نتوانسته فیلمی داستانی، بزرگ و ماندگار درباره خود ۱۳ آبان و پیامدهای آن تولید کند. البته آثاری مانند «دست شیطان»، «توفان شن» و سریال «روزهای ابدی» به بخش‌هایی از این تاریخ پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام نتوانسته‌اند جای یک روایت سینمایی جریان‌ساز را بگیرند. در مقابل، سینمای آمریکا با «آرگو» توانست بخشی از همان بحران را در قالب یک تریلر سینمایی به مخاطبان جهانی عرضه کند و در نهایت اسکار بهترین فیلم را به دست آورد. این تفاوت، یک پرسش جدی را پیش می‌کشد: چرا سینمای ایران هنوز نتوانسته یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر خود را به یک روایت سینمایی ماندگار تبدیل کند؟



وحید ناظری
روزنامه‌نگار

مشکل از آنجا جدی‌تر می‌شود که ۱۳ آبان را نمی‌توان واقعه‌ای منفصل از تاریخ روابط ایران و آمریکا دانست. روابط دو کشور پیش از انقلاب نیز با مداخلات گسترده آمریکا در سیاست ایران همراه بود و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از مهم‌ترین نقاط این تاریخ است. پس از انقلاب نیز اختلافات دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شد و در نهایت تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به بحرانی بین‌المللی تبدیل شد که ۴۴۴ روز ادامه یافت.

سینمای ایران البته در این سال‌ها کاملاً از این تاریخ غافل نبوده است. «دست شیطان» ساخته حسین زندباف، «توفان شن» و «روزهای ابدی» ساخته جواد شمقدری هرکدام بخشی از این دوره را روایت کرده‌اند. مستندهایی نیز درباره سفارت، گروگان‌گیری و دانشجویان پیرو خط امام ساخته شده است. با این حال، جای فیلمی که خود واقعه ۱۳ آبان را با شخصیت‌پردازی، درام، تعلیق و جزئیات تاریخی به اثری ماندگار برای مخاطب عمومی تبدیل کند، همچنان خالی است.

در سوی مقابل، «آرگو» نمونه قابل توجهی از قدرت سینما در ساختن روایت تاریخی است. فیلم بن افلک مستقیماً داستان تسخیر سفارت را روایت نمی‌کند و بر فرار شش دیپلمات آمریکایی و عملیات خارج کردن آنها از ایران تمرکز دارد. با این حال، همین بخش از بحران گروگان‌گیری در قالب یک تریلر پرکشش ساخته شد و در سال ۲۰۱۳ جایزه اسکار بهترین فیلم را دریافت کرد. به این ترتیب مخاطب جهانی با روایتی سینمایی و آمریکایی از بخشی از آن بحران مواجه شد.

این تفاوت اهمیت زیادی دارد. وقتی یک واقعه تاریخی به فیلم تبدیل نشود، میدان روایت خالی نمی‌ماند. آثار سینمایی، مستندها و تولیدات رسانه‌ای دیگر کشورها این امکان را پیدا می‌کنند که زاویه دید خود را به مخاطب عرضه کنند. برای نسل جوان ایرانی نیز شناخت تاریخ نمی‌تواند فقط به مراسم سالانه، شعارها و کتاب‌های درسی محدود شود. تاریخ زمانی در حافظه عمومی ماندگار می‌شود که به شخصیت، موقعیت، تصویر و داستان تبدیل شود.

۱۳ آبان هر سال تکرار می‌شود، اما تکرار یک مناسبت با روایت هنری آن تفاوت دارد. سینمای ایران هنوز فرصت ساخت فیلمی را دارد که این واقعه را از زمینه تاریخی روابط ایران و آمریکا تا تسخیر سفارت، بحران گروگان‌گیری و پیامدهای آن روایت کند. اگر این اتفاق نیفتد، بخشی از تاریخ معاصر ایران همچنان بیشتر در قالب اسناد و سخنرانی‌ها باقی خواهد ماند تا سینما. و این برای سینمایی که مدعی روایت تاریخ و هویت معاصر ایران است، یک خلأ جدی فرهنگی محسوب می‌شود.

روایت تاریخ با سفارش تولید چند فیلم مناسبتی و اختصاص بودجه به سوژه‌های از پیش تعیین‌شده محقق نمی‌شود. این کار به سیاستگذاری جدی، پژوهش تاریخی، تربیت و شناسایی فیلمسازان دغدغه‌مند و فراهم کردن امکان تجربه‌های متفاوت سینمایی نیاز دارد. سیاستگذاران فرهنگ و هنر باید بپذیرند که تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه در بزنگاه‌هایی چون ۱۳ آبان، ظرفیت تولید آثاری در اندازه سینمای جهان را دارد. برای رسیدن به چنین آثاری باید به فیلمساز فرصت، اختیار و امکان پژوهش داد و از تبدیل سینما به ابزار گزارش مناسبت‌ها پرهیز کرد.

۱۳ آبان به فیلمی نیاز دارد که مخاطب را با تاریخ درگیر کند، شخصیت‌های آن را بشناسد، تعارض‌ها و تصمیم‌هایشان را لمس کند و پس از پایان فیلم همچنان درباره آنچه دیده است بیندیشد. چنین اثری با بخشنامه و سفارش اداری ساخته نمی‌شود، اما بدون اراده و برنامه‌ریزی فرهنگی هم شکل نخواهد گرفت.

یادداشت

مارپیچ سکوت صداوسیما شکست

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

افشاگری اخیر حسن روزی‌طلب، مدیرکل سابق برنامه‌های سیاسی صداوسیما، پرده از یک توطئه راهبردی برمی‌دارد. براساس ادعای مطرح‌شده در برنامه اینترنتی خیابان انقلاب، جریاناتی در اولین جلسه شورای رهبری قصد داشتند رئیس صداوسیما را تغییر دهند و پیش از انتخاب رهبر جدید، پرونده تقابل را ببندند. این اقدام، فراتر از یک تغییر مدیریتی ساده، نشان‌دهنده یک مهندسی سیاسی خطرناک است که هدف اصلی آن چیزی جزفلج کردن نهادهای انتصابی و خنثی‌سازی اراده دفاعی نظام در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب نیست. مخالفان رسانه ملی به‌خوبی می‌دانند که صداوسیما به‌عنوان بلندگوی بیدار ملت، سد محکمی در برابر تهاجم فرهنگی دشمن است. از این رو، آن‌ها در تلاشند تا با به حاشیه‌راندن نهادهای انتصابی و تحمیل سلیقه شخصی خود، ساخت فرهنگی جامعه را به‌سمت غرب متمایل کنند. در واقع، این جریان با جا زدن خواست خود به‌عنوان اراده ملی، به‌دنبال انقلاب‌زدایی از ایران اسلامی است.

آن‌ها تصور می‌کنند با تضعیف رسانه اصلی کشور، می‌توانند مسیر نفوذ بیگانگان را هموار سازند و ایران را از صحنه نبرد وجودی با استکبار دور نگه دارند. اما باید به این طیف یادآوری کرد که انفعال در میدان رسانه، دقیقاً همان نقطه‌ای است که دشمن آرزوی آن را دارد. اگر صداوسیما در این برهه حساس، عملکردی منفعلانه از خود نشان دهد و ایران را از صحنه جنگ وجودی با غرب دور کند، عملاً باید منتظر نابودی کامل همه چیز بود.

مخالفان با فرافکنی و ایجاد حاشیه، می‌خواهند صدای حق‌طلبانه ملت را خفه کنند و مقاومت را به سازش تقلیل دهند. آن‌ها فراموش کرده‌اند که هزینه عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی غرب، بسیار سنگین‌تر از ایستادگی است. این جریانات با تکیه بر شعارهای فریبنده، در پی آن هستند تا هویت مستقل ایران را در حاشیه امن غرب محو کنند. در نهایت، افشای این توطئه‌ها نشان می‌دهد که نبرد اصلی امروز، نبرد روایت‌ها و اراده‌ها است. کسانی که امروز به‌دنبال تغییر مدیریت صداوسیما در شرایط گذار هستند، در واقع می‌خواهند چراغ مقاومت را خاموش کنند. آن‌ها با سوءاستفاده از فضای موقت شورای رهبری، به‌دنبال گره‌زدن منافع ملی به امیال غرب‌گرایانه خود هستند. اما ملت ایران بیدار است و اجازه نخواهد داد تا این جریانات منفعل و غرب‌زده، سرنوشت رسانه ملی و در نتیجه، آینده انقلاب اسلامی را رقم بزنند. صداوسیما باید با قاطعیت در برابر این فشارها بایستد و به‌عنوان سنگری تسخیرناپذیر، روایتگر ایستادگی ملت در این نبرد سرنوشت‌ساز باقی بماند. هرگونه عقب‌نشینی در این میدان، نه تنها به معنای شکست فرهنگی، بلکه به معنای تسلیم محض در برابر دشمنان قسم‌خورده ایران اسلامی خواهد بود.

خواهرزاده خاتمی دبیر جشنواره فجر شد



علیرضا تابش، خواهرزاده سیدمحمد خاتمی و برادر محمدرضا تابش، با حکم رئیس سازمان سینمایی به دبیری چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر منصوب شد؛ انتصابی که در دولت مسعود پزشکیان، بار دیگر پرسش درباره مناسبات سیاسی و خانوادگی در مدیریت فرهنگی را مطرح می‌کند.

تابش که هفت سال مدیریت بنیاد سینمایی فارابی را در کارنامه دارد، حالا مسئولیت مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور را برعهده گرفته است. اما آیا این سابقه مدیریتی دلیل انتصاب او بوده یا مانند بسیاری از انتصاب‌های دولت وفاق، بر اساس پیوندهای سیاسی انجام گرفته است؟

رئیس سازمان سینمایی در حکم انتصاب، بر همسویی جشنواره با سیاست‌های فرهنگی دولت و بازتاب استقامت ملت ایران در جنگ‌های تحمیلی اخیر تأکید کرده است. مشخص نیست منظور فریدزاده از «سیاست‌های فرهنگی دولت» چیست و چه نسبتی با استقامت مردم ایران دارد. پس هنوز مشخص نیست تابش برای تحقق چه اهدافی به دبیری منصوب شده است.

سینمایی که با بحران مخاطب، ضعف فیلمنامه و فاصله گرفتن از مسائل واقعی جامعه دست‌وپنجه نرم می‌کند، بیش از انتخاب مسئله‌دار دبیر به تحول در سیاست‌گذاری نیاز دارد. انتصاب تابش نیز اگر قرار باشد صرفاً جابه‌جایی مدیریتی در ساختار آشنای دولت باشد، نه گرهی از مشکلات سینما باز می‌کند و نه اعتبار ازدست‌رفته جشنواره را بازمی‌گرداند.